

دوازده امام در تورات؛ نگاهی نو به بشارت ابراهیم در سفر پیدایش

هادی علی تقوی، محمد قندهاری، محسن فیض بخش

چکیده

یکی از پرسش‌های مربوط به آیات ۱۷: ۱۸ و ۱۷: ۲۰ از سفر پیدایش تورات، این است که آیا این آیات را می‌توان اشارت و بشارتی به پیامبر اسلام و دوازده امام شیعیان دانست؟ با تأملی دقیق در دعای ابراهیم برای فرزندش اسماعیل علیهما السلام (پیدایش ۱۸: ۱۷) و نیز نحوه استجاب الهی (پیدایش ۲۰: ۱۷) می‌توان ادعا کرد که خداوند به ابراهیم علیه السلام بشارت داده که امامت را در پیامبر اسلام و دوازده امام از نسل اسماعیل علیهم السلام قرار دهد. از سویی با توجه به قرائن درون متنی و برون متنی ای که نشان می‌دهد مقصود از «مئود مئود»، پیامبر اسلام است و از سوی دیگر، با ریشه‌شناسی واژه «ربی» و هماهنگی آن با مفهوم «امام»، می‌توان نشان داد که دوازده ربّانی در آیه ۱۷: ۲۰، اشاره‌ای به دوازده امام شیعیان دارد. هم‌چنین، هماهنگی ریشه‌شناختی نام‌های برخی از دوازده امام با شماری از نام‌هایی که به عنوان اسامی فرزندان اسماعیل در آیات ۲۵: ۱۳-۱۵ ذکر شده است، ادعای پیش گفته را تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بشارت سفر پیدایش از عهد عتیق، بشارت فصل هفدهم سفر تکوین، مئودمئود، ربّانی، دوازده امام، امامان از نسل اسماعیل، امامت در تورات.

مقدمه

بشارت پیامبران پیشین به پیامبر اسلام و اهل بیت وی علیهم السلام همواره یکی از موضوع‌های مورد گفتگو بین اسلام و یهود و مسیحیت بوده است. قرآن کریم در پاره‌ای از آیات، بشارت تورات و انجیل و انبیای پیشین به پیامبر اسلام را گوشزد کرده است؛ [۵] روایات فراوانی نیز از سوی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده که در آن‌ها اشاره به بشارت پیامبران پیشین شده است. [۶]

فصل هفدهم سفر پیدایش، به ویژه آیات ۱۷: ۱۸ و ۱۷: ۲۰، یکی از بخش‌های مهم کتاب مقدس در این زمینه است که در طول تاریخ، گفتگوهای زیادی را به وجود آورده است:

و ابراهیم به خداوند گفت: ای کاش ییشماعیل (اسماعیل) برای وجه تو باقی بماند... (خدا او را پاسخ چنین گفت): و در مورد ییشماعیل (اسماعیل) (حرف (تو را اجابت کردم. اینک او را برکت خواهم کرد و بزرگش خواهم گردانید به واسطه مژده‌ی دوازده امام به وجود خواهد آورد و به قوم بزرگی مبدلش خواهم ساخت. [۷]

شمار زیادی از دانشمندان مسلمان به این آیات به مثابه بشارتی به پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان (دوازده امام) نگریسته اند. از این جمله می توان از میان اهل تسنن از اسماعیل بن عبدالرحمن سدی [۸] (د. ۱۲۷ ق) و نیز مورخ اهل سنت، ابن قتیبۀ دینوری [۹] (د. ۲۷۶ ق) و از میان علمای شیعه، از نعمانی [۱۰] (د. ۳۶۰ ق) و شیخ مفید [۱۱] (د. ۴۱۳ ق) یاد کرد. جالب آنکه عالم بزرگ اهل سنت، ابن کثیر دمشقی (د. ۷۷۴ ق) نیز این آیه تورات را بشارتی به دوازده خلیفه پس از پیامبر اکرم می داند که مهدی یکی از آنان است. [۱۲]

علاوه بر این، شماری از دانشمندان اهل کتاب [۱۳] نیز این آیات را بشارتی برای پیامبر اسلام و دوازده امام از نسل او دانسته اند. برخی از این دانشمندان در قرون متقدم و پیش از تکمیل دوازده امام از نسل پیامبر اکرم می زیسته اند؛ از جمله این

اشخاص می توان به کعب الاحبار [۱۴]، سرج البرموکی [۱۵]، عثوا ابن اوسوا [۱۶]، عمران بن خاقان [۱۷] و الحسین بن سلیمان [۱۸] اشاره کرد. همچنین در روایات شیعه، از حداقل یک عالم یهودی [۱۹] و نیز یک راهب نصرانی [۲۰] نقل شده است که بشارت به ۱۲ امام پس از پیامبر اکرم را در کتاب های پدران شان دیده اند. جالب تر از تمامی این موارد که همگی در سنت اسلامی نقل شده بودند، نقل مسیحی ماجرای بحیرا است که در کتابی به نام مکاشفات بحیرا [۲۱] آمده است. در این نقل چنین آمده که بحیرا به طور سینا می رود و از سوی خدا، الهاماتی بر قلبش می شود. [۲۲] او سپس با پیامبر اسلام روبه رو می شود و ایشان را از روی قرائن می شناسد و بشارتی که راجع به ایشان شنیده را بازگو می کند. [۲۳] (در بخشی از مکالمه، بحیرا به پیامبر می گوید:

و در آن سال، وحی خداوند که با اسماعیل با آن چنین سخن گفته است برآورده خواهد شد: «دوازده ملک برای تو متولد خواهند شد» و نیز «دوازده ملک از دودمان تو پدید خواهد آمد» [۲۴].

این گزارش نشان می دهد که در فضای مسیحیت در قرون ابتدایی اسلام، دوازده امام از نسل اسماعیل بر دوازده امام از نسل پیامبر مطبق می شده است.

لازم به ذکر است اکثر علمای یهودی و مسیحی که به اسلام گرویده اند و در باب بشارت قلم زده اند، در نگاشته های خود به این بشارت نیز استناد کرده اند. برخی مانند ابن ربّین طبری [۲۵]، سموئل

مغربی[۲۶] و سعید بن حسن اسکندری[۲۷] تنها از بشارت آیه پیدایش ۱۷: 20 به پیامبر اکرم صل الله علیه وآله بحث کرده و برخی دیگر مانند محمدرضا جدید الاسلام[۲۸]، به بخش دوم آیه [۲۹] نیز اشاره کرده اند. همچنین شواهد تاریخی حاکی از آن است که این آیه نقش مهمی در اسلام آوردن یهودیان[۳۰] و ریز تشیع[۳۱] آنان داشته است.[۳۲]

در دوران معاصر نیز پژوهش های متعددی، عمدتاً از سوی دانشوران مسلمان، در این زمینه صورت پذیرفته است. سید سامی بدری[۳۳] تلاش ارزشمندی را به طور مبسوط در راستای تبیین این بشارت کرده است. غیر از وی، نویسندگان دیگری نیز به اجمال به این بشارت پرداخته اند؛ از این جمله اند: جمال الدین شرقاوی[۳۴]، رحمه الله هندی [۳۵]، دکتر حبیب بن عبدالملک[۳۶]، دکتر منقذ بن محمود السقار[۳۷] و صالح بن الحسین الجعفری[۳۸].

به نظر نگارنده، علی رغم حجم بالای پژوهش های صورت گرفته، هنوز قرائن درون متنی بسیار محکمی از خود نسخه های قدیمی تورات به زبان های عبری، سریانی، آرامی، یونانی و لاتین برای دلالت این آیات بر پیامبر اسلام و دوازده امام می توان یافت که تاکنون بدان پرداخته نشده است. از سوی دیگر همه این پژوهش ها تنها به آیه ۲۰: ۱۷ سفر پیدایش پرداخته و از آیات فصل ۲۵ که در آن ها اسامی دوازده فرزند از نسل اسماعیل آمده، غفلت کرده اند. این نوشته تلاشی است برای ارائه شواهدی تازه برای دستیابی به فهمی بهتر از آیات مورد بحث در عهد عتیق. در این نوشته، ابتدا متن آیه ۱۷: ۱۸ سفر پیدایش در نسخه های عهد عتیق به زبان های مختلف تحلیل و دلالت این آیه در موضوع مورد بحث، بررسی شده است. پس از آن، به بررسی متن آیه ۱۷: ۲۰ سفر پیدایش در نسخه های عهد عتیق پرداخته شده و تحلیلی برای معانی واژگانی از این آیه که در بحث تأثیرگذارند (یعنی «مؤودمؤود» و «ربی») ارائه شده است. در انتها نیز درباره اسامی دوازده امام در عهد عتیق بحث شده است.

آنچه این تحقیق را از موارد مشابه پیش گفته متمایز می کند، عمدتاً سه ویژگی است: اول، تلاش برای بررسی نسخه های کهن آیات مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل واژگان کلیدی آن ها در زبان های عبری، آرامی، سریانی و یونا نی؛ دوم، بررسی ارتباط نام های دوازده فرزند اسماعیل با نام های دوازده امام؛ و سوم، بررسی این بشارت در گفته های بحیرا که از طریق متون مسیحی به ما رسیده است.

۱- مقام امامت در نسل اسماعیل (پیدایش ۱۷: ۱۸)

یکی از آیات مهم تورات در موضوع بشارت به پیامبر اسلام و دوازده امام، آیه 18 از فصل ۱۷ سفر پیدایش است. در این بخش، ابتدا متن این آیه را بر اساس نسخه های مهم و کهن نقل می کنیم و سپس درباره دلالت این آیه گفتگو خواهیم کرد.

1_1 متن سفر پیدایش ۱۷: ۱۸ در نسخه های مهم و کهن

متن آیه ۱۷: ۱۸ در شماری از نسخه های مهم عمدتاً از این قرار است:

AVD وَقَالَ اِبْرَاهِيْمُ لِلّٰهِ: «لَيْتَ اِسْمَاعِيْلَ يَعْيشُ اَمَامَكَ!» [۳۹]

KJV And Abraham said unto God, O that Ishmael might live before thee! [40]

LXX ειπεν δε Αβρααμ προς τον θεον Ισμαηλ ουτος ζητω εναντιον σου [41]

Samaritan ואמר אברהם לאלהים לוי ישמעאל יתחי לרחותך [۴۲]

WTT ויאמר אברהם אלהים לו ישמעאל יחיה לפניך [۴۳]

NFT ואמר אברהם קדם יי אלוי לוי ישמעאל יחי קדמך [۴۴]

PJT ואמר אברהם קדם יי הלואי ישמעאל יתקיים ויפלה קומך [۴۵]

TAR ואמר אברהם קדם יי לוי ישמעאל יתקיים קדמך [۴۶]

Peshittaܐܒܪܗܡ ܕܥܡܪ ܠܐܠܗܝܡ ܕܥܡܪ ܠܐܠܗܝܡ ܕܥܡܪ ܠܐܠܗܝܡ ܕܥܡܪ ܠܐܠܗܝܡ [۴۷]

2_1 دلالت آیه (دعای ابراهیم برای نسل اسماعیل)

در آیه ۱۸ فصل ۱۷ سفر پیدایش، ابراهیم برای فرزندش اسماعیل دعا می کند. باید به مضمون دعای ابراهیم برای اسماعیل دقت کرد؛ او از خدا چنین تمنا می کند: «کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند»؛ در ترجمه عربی نسخه سامری چنین آمده است: «یا لیت اسماعیل یحیی فی طاعتک» [۴۸] (ای کاش اسماعیل در اطاعت تو زندگی کند).

این عبارت در نسخه های انگلیسی [49] live before thee می باشد که ترجمه ای از יְחִיָּהּ לְפָנֶיךָ در عبری است؛ اما ترجمه دقیق تر آن، «برای وجه تو زیست کند» است.

در نسخه آرامی سودو یوناتان יתקיים ויפלה קומך آمده است که معنای آن این است: «اسماعیل در برابر تو اقامه شود و عبادت کند.»

حال باید دید معنای «زیستن در حضور خدا» چیست؟ آیا مگر همگان در حضور خدا زیست نمی کنند؟ برای فهم این جمله باید دید که آیا این مضمون در آیات دیگر از عهد عتیق نیز تکرار شده است یا خیر؟ با دقت در نسخه های تارگوم می بینیم که این مضمون در مورد ادریس (اخنوخ)، نوح، ابراهیم، اسحاق و داود نیز به کار رفته است. در نسخه تارگوم سفر پیدایش ۵: ۲۲ آمده است که اخنوخ به واقع بنده ای در برابر خدا بود. در تارگوم تئوفیتی آیه ۶: ۹ آمده است که نوح بنده ای در مقابل خدا بود [۵۰]. این مضمون همچنین در سفر پیدایش، آیه ۱۷: ۱ راجع به ابراهیم علیه السلام آمده است.

حال سؤال این است که خداوند به بندگانی که دارای این ویژگی اند، یعنی به تعبیر دقیق تورات عبری ماسوری، «برای وجه خدا سلوک می کنند» و به تعبیر تارگوم، «بنده ای در پیش روی خدا هستند»، چه وعده ای داده است؟ پاسخ این سؤال در وصیت داود به سلیمان معلوم می شود. در این وصیت، داود ضمن توصیه به فرزند خود برای اجرای دقیق تمام سنت های الهی، به او می گوید: خداوند به پسران من وعده داده که اگر «به راستی برای وجه خدا سلوک کنند»، همواره یکی از آن ها بر کرسی پادشاهی اسرائیل تکیه زند [۵۱].

باز در جای دیگر، سلیمان از عهد الهی با بندگانی که با تمام قلب خویش در حضور خدا سلوک نمایند سخن می گوید که این عهد الهی همان مُلک از سوی خداست که خداوند به پسران داود وعده داده است. [۵۲]

از مجموع آنچه گفته شد معلوم می شود که در تورات هرگاه عبارت هایی چون «سلوک در برابر خدا» یا «زیستن در پیش روی خدا» یا «بنده ای در پیش روی خدا بودن» به کار رفته، نشان از عهد الهی با بندگانی است که خداوند می خواهد به آنان مُلک الهی بخشیده یا آنان را پیشوا و امام مردمان قرار دهد.

حال به فصل ۱۷ تورات بازمی گردیم؛ در ابتدای این فصل، خداوند به ابراهیم علیه السلام می گوید: «برای وجه من سلوک کن» یا به تعبیر تارگوم: פֶּלֶח קַדְמִי ([53] بنده ای در پیش روی من باش). سپس به او وعده می دهد که من عهد خویش را با تو محکم می کنم [۵۴].

بر اساس آنچه گفته شد، این همان اعطای مقام امامت یا عهد امامت با حضرت ابراهیم علیه السلام است. در چنین شرایطی ابراهیم همین مقام امامت را برای فرزندش اسماعیل نیز درخواست می کند و می گوید: «ای کاش اسماعیل در پیش روی تو زیست کند». این دعا در پیشگاه الهی مورد قبول واقع می شود [۵۵] و خداوند به ابراهیم وعده می دهد که نسل اسماعیل بمثود مثود برکت خواهد یافت و از او دوازده پیشوا متولد خواهند شد [۵۶].

از بیان خداوند در استجابت دعای ابراهیم در مورد متوادمثود و وعده به پدید آمدن دوازده پیشوا و امتی عظیم از نسل اسماعیل، معلوم می شود که ابراهیم در مورد امامت در نسل اسماعیل دعا کرده است.

جالب این است که شبیه این ماجرا در قرآن نیز آمده است [۵۷]. خداوند ابراهیم را به کلماتی امتحان می کند و پس از سربلندی از این ابتلا، خداوند او را به مقام امامت مشرف می کند؛ آنگاه ابراهیم از خداوند برای فرزندانش نیز تقاضای امامت می کند [۵۸]؛ خداوند در جواب می گوید که عهد الهی به ظالمان نمی رسد [۵۹].

2_ دوازده امام از نسل اسماعیل (پیدایش ۱۷: ۲۰)

دومین آیه ای که در این نوشته مورد بررسی قرار می گیرد، آیه ۲۰ از فصل ۱۷ سفر پیدایش است. برای بررسی این آیه نیز، پیش از آن که دلالت های آیه را مورد بررسی قرار دهیم، متن آیه را از نسخه های مهم و کهن نقل می کنیم و پس از آن، دلالت های آیه را به تفکیک مورد بررسی قرار می دهیم.

1_ 2_ متن سفر پیدایش ۱۷: ۲۰ در نسخه های مهم و کهن

AVD وَأَمَّا إِسْمَاعِيلُ فَقَدْ سَمِعْتُ لَكَ فِيهِ. هَا أَنَا أَبَارِكُهُ وَأُثْمِرُهُ وَأَكْثِرُهُ كَثِيرًا جَدًّا. إِنِّي عَشَرَ رَئِيسًا يَلِدُ، وَأَجْعَلُهُ أُمَّةً كَبِيرَةً.

KJV And as for Ishmael, I have heard thee: Behold, I have blessed him, and will make him fruitful, and will multiply him exceedingly; twelve princes shall he beget, and I will make him a great nation.

LXX περί δε Ισμαηλ ιδου ἐπήκουσά σου ιδου εὐλόγησα αὐτὸν καὶ αὐξάνω αὐτὸν καὶ πληθυνῶ αὐτὸν σφόδρα δώδεκα ἔθνη γεννήσει καὶ δώσω αὐτὸν εἰς ἔθνος μέγα

NFT וְלִישְׁמַעְעָל שְׁמַעִית לִקְל צְלוּתְךָ הָא וְעַל־עַסְק יִשְׁמַעְעָל שְׁמַעִית בְּקִלְךָ הָא בְּרַכְתָּ יִתְה וְתוֹקַפְתָּ יִתְה וְסַגִּיתָ וְסַגִּיתָ יִתְה לְחֻדָּא חֻדָּא תְרִין־עָשָׂר רַבְרַבִּין יוֹלֵד וְאִשְׁוִי יִתְה לְאַחְסַנָּה לְאוּמָה רַבָּה

PJT ועל ישמעאל קבילית צלותך הא בריכית יתיה ואפיש יתיה ואסגי יתיה לחדא תריסר רברבין יוליד ואיתניניה לעם סגי

TAR וְעַל יִשְׁמַעְעָל וְלִישְׁמַעְעָל קְבִילִית צְלוּתְךָ הָא בְּרִיכִית יִתְה וְאַפִּישִׁית יִתְה וְאַסְגִּיתִי יִתְה לְחֻדָּא תְרִי־עָסָר רַבְרַבִּין יוֹלִיד וְאַתְנִינִיָּה לְעַם סָגִי

WTT וְלִישְׁמַעְעָל שְׁמַעִיתִי הִנֵּה בְּרַכְתִּי אֹתוֹ וְהַפְּרִיתִי אֹתוֹ וְהַרְבִּיתִי אֹתוֹ בְּמֵאָד מֵאָד שְׁנַיִם־עָשָׂר נְשִׂאִם יוֹלִיד וְנִתְּתוּ לְגוֹי גָּדוֹל

Samaritan ולישמעאל שמעתך אה ברכת יתה והפריית יתה והסגית יתה בשריר שריר תרי עסר נסיאים יולד ואתננה לגוי רב

خداوند در پاسخ دعای ابراهیم می گوید:

تبیین معنای مئودمئود، نقشی کلیدی در فهم مراد این آیه خواهد داشت. جستجو در کتاب مقدس نشان می دهد که واژه عبری מֵיִּוּד (مئود) [۶۱] در هیچ آیه ای از عهد عتیق به همراه حرف اضافهٔ باء به صورت מֵיִּוּד (بمئود) به کار نرفته است. هرگاه این کلمه به صورت قید به کار رود، به معنای «خیلی» یا «زیاد» است و در این صورت، دیگر نیازی به حرف اضافهٔ باء ندارد.

بنابراین می توان حکم کرد که کاربرد **בְּמִשְׁכָּחָה** (بمئودمئود) به معنای «بسیار زیاد»، علی القاعده نادرست است و به ناچار باید به دنبال معنای دیگری برای آن بگردیم.

یکی از راه های پیشنهاد شده برای فهمِ بهترِ آیه این است که مَثود مَثود را به عنوان اسمی عَلَم در نظر گیریم؛ در این صورت آیه ۱۷: ۲۰ به روشنی معنا می شود:

خداوند به ابراهیم می گوید نسل اسماعیل را به واسطهٔ متود متود برکت و کثرت و عظمت می بخشم.

اما این مژودمژود کیست؟ آیا شخصی از نسل اسماعیل وجود دارد که نامش مژودمژود باشد؟ قرائن درون متنی و برون متنی فراوانی وجود دارد که می توان از آن ها نتیجه گرفت که مژود مژود، همان مشهورترین فرزند از نسل اسماعیل، یعنی پیامبر اسلام است که اسماعیل و نسل او (اعراب) به برکت وجود ایشان، بزرگی، کثرت و برکت یافته اند و نامشان در جهان بلندآوازه شده است. از جمله قرائن درون متنی می توان به واژگان هم ریشه این لغت و دیگر کاربردهای آن در کتاب مقدس اشاره کرد. מִזְדֵּה (مژده) صیغه اول شخص مضارع مفرد مذکر در باب هیفیل (Hiphil) از ریشه عبری מִזָּה (یادا) [62] دقیقاً به معنای احمد است و بنابراین واژه مژودمژود (که در روایات اسلامی به صورت مژودمژود آمده) معادل احمد احمد یا برگردان

صحیح آن در عربی محمد خواهد بود [۶۳]. معادل های واژهٔ مئودمئود در نسخه های سریانی ܡܝܕܡܝܕ (طاب طاب) [۶۴] و آرامی ܡܝܕܡܝܕ ܠܚܕܐ (لحدا لحدا) [۶۵] نیز به طرز جالب توجّهی این نظریه را تقویت می کند.

به علاوه، قرائن برون متنی برای اثبات مدّعی مذکور، شامل شواهد تاریخی، اقوال یهودیان مسلمان شده، روایات اسلامی و... می شود. اگرچه بررسی این شواهد (درون متنی و برون متنی) نقش مهمی در فهم معنای آیه دارد، در اینجا برای احتراز از طولانی شدن نوشته و دور افتادن از موضوع اصلی (دوازده امام در تورات)، از بحث مبسوط در این باره خودداری می کنیم و آن را به موضع دیگری وا می گذاریم [۶۶]؛ در اینجا صرفاً می پذیریم که می توان نشان داد که ترکیب «ܡܝܕܡܝܕ ܡܝܕܡܝܕ» (مئودمئود) در آیهٔ پیدایش ۱۷: ۲۰ باید اشاره ای به یک اسم عَلَم باشد که به «بمحمد» یا «باحمد احمد» [۶۷] ترجمه می شود. [۶۸]

3_2 معنای ربّانی

در آیهٔ ۱۷: ۲۰ سفر پیدایش به حضرت ابراهیم بشارت داده شده که دوازده شخص عظیم از نسل اسماعیل پدید خواهند آمد. این که این دوازده عظیم کیان اند و نام های آن ها چیست و این که آیا این ها فرزندان مستقیم اسماعیل اند یا خیر، در ادامه خواهد آمد. در نسخهٔ عبری به جای واژهٔ عظیم، ܠܫܝܢܐ (نسیئم) و در نسخهٔ سریانی ܠܫܝܢܐ (روربین) و در نسخه های آرامی ܠܫܝܢܐ (ربرین) آمده است. ܠܫܝܢܐ جمع ܠܫܝܐ (نسی یا ناسی) به معنای پیشوا، رهبر، امیر، رئیس، مَلِک و کسی است که ترفیع یافته است [۶۹].

ܠܫܝܢܐ (روربین) جمع ܠܫܐ (رین) از ریشهٔ ܠܫܐ (رب) است. معنای رب و ربوبیت در سریانی، آرامی و عربی یکی است و آن، مالکیت و صاحب چیزی بودن، سروری و ولایت است. معنای لغوی رِبّی، مولای ما، بزرگ ما، آقای ما و ربّ ما است. این واژه در عهد عتیق برای روسای اسباط بنی اسرائیل و دیگر روسایی که ولایت و سرپرستی عده ای را بر عهده داشته اند، به کار رفته است.

اما کاربرد این واژه در عهد جدید قابل تأمل است. ܠܫܐ (رین) به معنای «بزرگ ما» و ܠܫܐ (ربی) به معنای «بزرگ من» یا «آقای من»، به صورت مطلق و بدون این که به کلمهٔ بعدی اضافه شود، به هیچ وجه برای هیچ کسی جز حضرت عیسی به کار نرفته است. واژهٔ ܠܫܐ (ربی) در عهد جدید سریانی در مجموع ۷۲ مرتبه و واژهٔ ܠܫܐ (رین) نیز در انجیل پشیتای سریانی، ۱۷ مرتبه به کار رفته است که مخاطب همگی آن ها حضرت عیسی است و نه شخصی دیگر [۷۰]. در ابتدای فصل 23 انجیل متی، حضرت عیسی می گوید:

کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی تکیه زده اند ... و... دوست دارند که مردم در بازارها آن ها را احترام کنند و به آن ها بگویند اَصْحَابِ رَبِّی (ربی ربی). (آنگاه رو به حواریون می گوید : اما شما هیچ گاه نباید اَصْحَابِ خوانده شوید زیرا رب شما یکی است و شما همه باهم برادرید[۷۱].

بر این اساس به نظر می رسد که واژه رَبِّی یا رَبَّان در عهد جدید، به عالم الهی بلندمرتبه ای اشاره دارد که وقتی در موضوعی حکم می کند، باید از حکم او تبعیت شود؛ یعنی کسی که جنبه سرپرستی و ولایت بر گروهی دارد و حتی حواریون حضرت عیسی با آن مقام و منزلتی که داشته اند، لایق این عنوان نبوده اند.

در قرآن نیز واژه «رَبَّانِی» در سه آیه به کاررفته است[۷۲]. خداوند در سوره مائده آیه ۴۴ می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...؛ ما تورات را فرو فرستادیم، در آن هدایت است و نور . پیامبرانی که اسلام آوردند برای یهودیان به آن حکم کنند، نیز ربانیون و احبار به واسطه آنچه از کتاب خدا حفظ کنند. ...

ذیل این آیه، روایتی جلب توجه می کند. امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرموده اند:

منظور از ربانیون در این آیه، امامان اند که غیر از پیامبران اند . آنان مردم را با علمشان تربیت می کنند و احبار نیز غیر از ربانیون اند و به کسانی گفته می شود که مردم را به سوی ربانیون دعوت می کنند[۷۳].

درمجموع، از روایات اسلامی معلوم می شود که منظور از «رَبَّانِی»، امام معصوم است که با علم الهی خویش، مردم را پرورش می دهد و مردم نیز ملزم به اطاعت از اویند.

در روایات دیگری نیز به لفظ «رَبِّی» یا «رَبَّانِی» اشاره شده است. در روایتی، راوی از امیرالمؤمنین علیه السلام از مصداق «دابة الارض» سؤال می کند. حضرت در جواب می گوید: «صِدِّيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَفَارُوقُهَا، وَرَبِّیْهَا، وَذِي قَرْنَيْيْهَا».[۷۴]

بر اساس این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام خویشتن را به عنوان رَبِّی امت اسلام معرفی می کند.

در روایت دیگری به ابوذر غفاری _ صحابی جلیل القدر پیامبر اسلام _ می گویند وصیت کن. می گوید وصیت کرده ام، به او می گویند به امیرالمؤمنین عثمان وصیت کرده ای؟ می گوید نه بلکه به کسی که به حق امیرالمؤمنین است یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب؛ و او به یقین میخ (محکم کننده) زمین است و او رَبِّی این امت است.[۷۵]

در روایتی نوح پیامبر اسلام می فرماید: «علی، ربّانی این امت است» [۷۶].

1_3_2 دوازده ربّانی در بشارت پیدایش ۱۷: ۲۰

با توجه به مطالبی که ذکر شد، «ربّی» یا «ربّان»، واژه ای است به معنای مولا، پیشوا، رهبر و رئیس که در اسفار عهد عتیق برای امیرانی که سرپرستی قوم خویش را بر عهده داشته اند، به کاررفته است؛ و در عهد جدید، تنها حضرت عیسی علیه السلام از چنان مقام رفیعی برخوردار بوده که به او «ربّی» «اطلاق شده است؛ پس این واژه اگر از سوی خداوند به کسی اطلاق شود، به معنای ولی الله، پیشوا و رهبری است که دارای علم الهی بوده و جایگاهی آسمانی دارد.

در آیه ۱۷: ۲۰ سفر پیدایش، خداوند به ابراهیم بشارت داده که از نسل اسماعیل، دوازده ربّی پدید خواهند آمد. این دوازده مرد ربّانی، مقامشان از حواریان عیسی بالاتر است. حتی دوازده فرزند یعقوب نیز به این مقام نائل نشده اند. با این وصف، باید به دنبال یافتن مصداق این دوازده ولی الهی در طول تاریخ بود. به نظر می رسد که منظور از ایشان، دوازده فرزند صلبی مستقیم حضرت اسماعیل نباشد؛ زیرا در هیچ کتاب آسمانی یا منبع تاریخی، نشانی از علم الهی یا رهبری آسمانی، در فرزندان مستقیم اسماعیل یافت نمی شود. تنها افرادی که به عنوان دوازده پیشوای آسمانی از فرزندان اسماعیل شناخته شده اند، همان دوازده امامی اند که پیامبر اسلام ایشان را به عنوان ربّانی امت اسلام معرفی کرده است که اولین آن ها علی بن ابی طالب و آخرینشان مهدی علیهم السلام است.

3_نام دوازده ربّانی در تورات

در فصلی دیگر در تورات، نام دوازده ربّانی از فرزندان اسماعیل آمده است. در این بخش بر آنیم که مصداق روشنی از این نام ها را بیان کنیم. در بدو امر می توان چهار گروه مختلف را به عنوان مصداق محتمل دوازده نفر از نسل اسماعیل در نظر گرفت. دسته اول: پسران بلا واسطه اسماعیل، دسته دوم: اجداد پیامبر اسلام (از نسل اسماعیل)، دسته سوم: قبائل عرب در هزاره پیش از میلاد، دسته چهارم: امامان معصوم از اهل بیت پیامبر اسلام. در ادامه با بررسی این نام های توراتی نشان خواهیم داد که کدام یک از این چهار دسته مصداق کاملی برای دوازده ربّانی از فرزندان اسماعیل اند.

1_3_اسامی دوازده ربّانی در نسخه های قدیمی کتاب مقدس و معانی آن ها

در تورات و نیز کتاب اول تواریخ ایام، نام دوازده فرزند اسماعیل آمده است:

و این است نام های پسران اسماعیل، موافق اسم های ایشان به حسب پیدا یش ایشان. نخست زاده اسماعیل، نبایوت و قیدار و ادبیل و میسام و مشماع و دومه و مسا و حدار و تیما و یطور و نافیش و قدّمه [۷۷].

نبایوت (عبری: נְבִיאוֹת، سریانی: ܢܒܝܐܬܐ، آرامی: ܢܒܝܐܬܐ، یونانی: Ναβαιοθ) و در تارگوم سامری: (נבאיות) هم ریشه با نبی و به معنای نبأ و وحی است.

قیدار (عبری: קִידָר، سریانی: ܩܝܕܐ، آرامی: ܩܕܐ، یونانی: Κηδαρ) در عبری به معنای تیره، سیاه و در آرامی به معنای تقدیر است.

ادبیل (عبری و آرامی: אֲדִבְיָל، سریانی: ܐܕܒܝܠ، (ارییل)، یونانی: αβδεηλ) [۷۸]، لاتین [79] (Abdeel) به معنای ادب شده خداست. در مورد ادبیل باید گفت که این اسم در قدیمی ترین نسخه تورات که نسخه سبعینه یونانی است و نیز در نسخه قدیمی و مشهور ولگات، به صورت ادبیل آمده است؛ حال اگر ادبیل را به جای ادبیل در نظرگیریم، به معنای کسی است که در راه خدا کشته شده یا کسی که اعضایش برای خدا تکه تکه شده [۸۰].

میسام (عبری: מִבְּסָם (مبوسام)، سریانی: ܡܒܨܡ (مبسم)، آرامی: ܡܒܨܡ (میوشام)، یونانی: Μασσαμ: مَسَام، لاتین: Mabsam) از ریشه ܡܨܡ (بسم) در عبری به معنای خوشبو و طیب و موردپسند است. [۸۱]

مشماع (عبری و آرامی: מִשְׁמָע، سریانی: ܡܨܡܥ، یونانی: Μασμα:، لاتین (Masma) از ریشه ܡܨܡܥ به معنای شنوایی و پذیرش [۸۲] یا به معنای شیوع، شهرت و مشهور است.

دومه (عبری و آرامی: ܕܘܡܐ، سریانی: ܕܘܡܐ (روما)، یونانی: Ἰδουμα: ایدوما)، لاتین (Duma) در عبری به معنای سکوت، آرامش و سکونت دائم است [۸۳].

مَسَا (عبری: מִשָּׂא، آرامی: ܡܨܐ (مَشَا)، سریانی: ܡܨܥ (مسا)، یونانی: Μασση: مَسَّه، لاتین (Massa) در عبری از ریشه ܡܨܐ دقیقاً به معنای حَمَل است که به معنای تحمّل، بار، وحی و بالا آوردن [۸۴] نیز به کار می رود.

حدار (آرامی و عبری: ܚܕܐܪ، سریانی: ܚܕܐܪ، یونانی: Χοδδαδ: حَدَاد، لاتین) (نسخه کلمنتین ولگات (Hadar):)، به معنای احاطه کردن، حصار کشیدن و در جوف قرار دادن است [۸۵].

تیما (عبری و آرامی: תִּימָה، سریانی: ܬܝܡܐ، یونانی: Θαιμαν Thaiman)،: لاتین (Thema): ریشه اش در عبری معلوم نیست؛ اما در آرامی תִּימָה و תִּמָּה به معنای تحیر، وله و سرگشتگی است [۸۶]. واژه تیم در عربی، شبیه آرامی و به معنای حیرت شدید و زایل شدن عقل به خاطر محبت شدید چیزی است. از این رو «التیم» به معنای «العبد» است [۸۷] و عبد واقعی کسی است که معرفتش نسبت به خدا ولهی و در خدا متحیر است و این معرفت تحیری او را به تذلل و عبودیت می کشد. بر این اساس التیم به عبد یا عابد اطلاق می شود [۸۸].

یطور (عبری و آرامی: יְטוּר، سریانی: ܝܬܘܪ، یونانی: Ιετοϋρ،: لاتین (Itur) هم ریشه با יְטוּר به معنای لشکرگاه، اردوگاه نظامی (عسکر) است، که در این صورت יְטוּر به معنای کسی است که در پادگان محصور شده است [۸۹].

نافیش (عبری و آرامی: נָפִישׁ، سریانی: ܢܦܝܫ، یونانی: Ναφεις،: لاتین (Naphis)،: از ریشه נָפִישׁ به معنای نفس، روح، شخص، جاندار، تنفس، تجدید نفس، روح تازه بخشیدن است [۹۰]. در عربی از ریشه نفس، واژه های نَفَس و نَفِيس به معنای کریم و جواد و سخی به کار می رود [۹۱].

قدمه (عبری: קֶדְמָה، آرامی: ܩܕܡܐ یا ܩܕܡܐ Ch 1: 31)، سریانی: ܩܕܡܐ، یونانی: Κεδμα،: لاتین (Cedma): در عبری به معنای مشرق، فجر و محل طلوع شمس [۹۲] است و در بیش از سی آیه در عهد عتیق به کاررفته است. معادل یونانی ܩܕܡܐ واژه ἀνατολᾶς از ریشه ἀνατολή دقیقاً به معنای طلوع خورشید یا بالا آمدن ستاره یا طلوع فجر است و در برخی آیات در عهد عتیق و نیز در عهد جدید، برای ظهور منجی و مسیح، واژه ἀνατολή یا مشتقات آن به کاررفته است [۹۳]. در آرامی نیز، واژه ܩܕܡܐ به معنای شرق یا فجر است [۹۴].

برای یافتن مصداق اسامی پیش گفته، توجه به چند ملاحظه تاریخی لازم می نماید که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

2_3 ملاحظات تاریخی در یافتن مصداق نام های ذکر شده برای فرزندان اسماعیل

همان طور که بالاتر ذکر شد، در هیچ کتاب آسمانی یا منبع تاریخی، نشانی از علم الهی یا رهبری آسمانی در فرزندان مستقیم اسماعیل یافت نمی شود. اگر بزرگ بودن یا ربانی بودن دوازده فرزند مستقیم اسماعیل مسلم بود، باید با جست وجو در کتب تاریخی، اثری از آنان به دست می آمد.

پس برای فهم مصداق این نام ها و حلّ این معما، باید به نکات زیر دقت کرد:

1_ صاحبان نام های ذکر شده، نمی توانند همگی فرزندان بلا واسطه اسماعیل باشند که در یک نسل می زیسته اند؛ بلکه ایشان در نسل ها و ادوار زمانی مختلف پدید آمده اند؛ زیرا در ابتدای آیه ۲۵: ۱۳ چنین آمده است: «و این است نام های پسران اسماعیل، موافق اسم های ایشان به حسب پیدایش ایشان.»

به جای عبارت «پیدایش ایشان» در نسخه عربی، «موالیدهم»؛ در نسخه عبری «תולדתם» (تولدُتام) به معنای پیدایش یا دوره و عصر زمانی یا سلسله نسب نامه آن ها و دوره تاریخی آن ها [۹۵]؛ و در نسخه یونانی «γενεών» است [۹۶]. این واژه در بیش از بیست آیه در عهد عتیق یونانی به کار رفته که همگی بدون استثنا به معنای اجدال، ادوار، زمان ها و نسل ها ترجمه شده است؛ بنابراین معلوم می شود که دوازده اسم مذکور همگی مربوط به فرزندان مستقیم اسماعیل که همه در یک دوره و یک نسل می زیستند، نیست؛ بلکه مربوط به افرادی است که به حسب زمانی، در نسل های مختلف پدید آمده اند.

2_ اساساً باید گفت در مورد دوازده پسر اسماعیل، اطلاعات قابل توجهی در عهدین [۹۷] یا تاریخ [۹۸] نمی یابیم. تنها جایی که از این دوازده نفر سخن به میان می آید، فصل ۲۵ سفر پیدایش [۹۹] است [۱۰۰]. در میراث روایی اسلامی نیز _ چنانکه خواهیم گفت _ قیدار به عنوان پسر بزرگ اسماعیل و نبایوت (نبیت یا نبت) به عنوان پسر (و نه برادر) قیدار آمده است.

3_ به نظر می رسد واژه هایی که برای دوازده فرزند از نسل اسماعیل در تورات به کار رفته است، بیانگر صفت و ویژگی این افراد است و نه لزوماً اسم خاصی برای آن ها. این دوازده اسم در حقیقت ویژگی این افراد است که در سرزمین خود بدان شهرت یافته اند. دو قرینه دال بر این مطلب وجود دارد:

قرینه اول این است که در ابتدای آیه ۲۵: ۱۳ سفر پیدایش در ترجمه AVD عربی چنین آمده است: «وَهَذِهِ أَسْمَاءُ بَنِي إِسْمَاعِيلَ بِأَسْمَائِهِمْ». این ترجمه نمی تواند ترجمه صحیحی باشد، زیرا تکرار «اسماء» بی معنی است. «باسمائهم» برگردان واژه «בְּשֵׁמֹתָם» (بیشمیتام) است که هم به معنی «به نام های ایشان» است و هم به معنی «به شهرت و وصف ایشان» [۱۰۱]. بر این اساس بهتر است آیه چنین معنا شود: «و این است نام های فرزندان اسماعیل به حسب اشتهارشان (اسم یا صفت معروفشان)». پس این اسامی باید اسم یا وصف مشهور این افراد در سرزمینشان باشد.

قرینه دوم بر صفت بودن این اسامی آن است که برخی از متقدمین شارحین تورات، این اسامی را ترجمه و نقل به معنا کرده اند. برای مثال در تارگوم PST، برخی از این نام ها این گونه ترجمه شده اند: نبایوت به نبط [۱۰۲] (נבט)، قیدار به عرب (لارب)، مشماع به مطیع و شنوا (ציינת)، دومه به ساکت و آرام (נחתקא)، مَسَا به حامل و بارور (מסבא)، حدد به تندوتیز (חפא) و تیما به معنای جنوب (ממא) [۱۰۳]. این در حالی است که با بررسی نسب نامه های تورات درمی یابیم هیچ آیه ای نیست که در آن، شارحان تورات و نویسندگان تارگوم، نام ها را نقل به معنا کرده باشند. در سفر پیدایش،

اسامی نسل آدم و نوح و ابراهیم و اسحاق و عیسو و یعقوب و دیگران به طور مبسوط آمده است؛ اما هیچ یک از این ها به صورت وصف توسط صاحبان تارگوم نقل به معنی نشده است. این مبحث، قرینه ای دیگر بر این مطلب است که این اسامی، اوصاف و ویژگی هایی برای فرزندان اسماعیل است؛ چراکه در غیر این صورت، نقل به معنا کردن این اسامی، بی وجه خواهد بود.

4_ در مورد دقت ثبت و ضبط اسامی موجود در تورات، باید توجه داشت که این اسامی، مسیر بسیار ناهموار ۳۳۰۰ ساله ای [۱۰۴] را تا به امروز طی کرده اند. قدیمی ترین نسخه عبری موجود که حاوی این اسامی است، نسخه لنینگراد و حلب است که هر دو در قرن نهم میلادی استنساخ شده است. قدیمی ترین نسخه های موجود تورات عبری (طومارهای قمران [۱۰۵])، همگی فاقد آیات موردنظر این مقاله هستند [۱۰۶]. به گفته دانشمندان و محققان جدید، توراتی که امروز به دست ما رسیده، عیناً توراتی نیست که بر موسی نازل شده است؛ بلکه مکتوبی است که در طی ۶ قرن از ۴ منبع مختلف گردآوری شده است [۱۰۷]. بنابراین بسیار طبیعی است که در ثبت و ضبط نام ها، تغییراتی اتفاق افتاده باشد.

به عنوان نمونه حتی در مورد نام عیسی مسیح که شخصیت اول مسیحیت است، اختلافات فراوانی در ترجمه های انجیل می یابیم؛ با این که عیسی یک شخص شناخته شده و معروف بوده و ۵۰۰ سال پس از اسارت بابلی به دنیا آمده است، نامش در زبان سریانی به صورت **ܡܥܨܐ (ܝܫܘܥ)**، در یونانی (**Ιησοῦς** یهسوس)، در لاتین (**Iesus** یسوس) و در قرآن، عیسی ضبط شده است. دیده می شود که در تلفظ یونانی، نام عیسی به کلی به شکلی متفاوت از تلفظ سریانی تغییر یافته است [۱۰۸].

5_ تذکر این نکته نیز لازم است که نمی توان به ترتیب ذکر شده این دوازده نام در تورات یقین داشت. نمونه های متعدد و مختلفی از فهرست اسامی در تورات امروز وجود دارد که نام های موجود در آن ها با اختلاف در ترتیب ذکر شده اند. برای نمونه می توان به اختلاف در ترتیب ذکر نام های فرزندان یعقوب بین فهرست های ارائه شده در پیدایش ۲۰:۳۲ تا ۳۰:۲۴ و خروج ۱:۱ تا ۴:۱ اشاره کرد.

6_ با توجه به این که بعضی از این دوازده نام [۱۰۹] (مثل تیماء و دومه)، نام برخی قبائل یا شهرهای هزاره پیش از میلاد است، بد نیست به نظریه مشهور ولهوسن راجع به نحوه وجود آمدن تورات کنونی توجه کنیم. به گفته ولهوسن، شجره نامه های (نسب نامه های) تورات برای امت های غیریهود، توسط احبار یهود در نسخه P شکل گرفته است. خصوصاً شجره فرزندان اسماعیل در فصل 25 سفر پیدایش، ساخته احبار یهود است [۱۱۰]. بر این اساس برخی از این دوازده نام که احبار یهود (مولفان P) به عنوان فرزندان اسماعیل به او نسبت داده اند، نام برخی قبایل عربی بوده که در هزاره پیش از میلاد،

معاصر آن احبار بوده اند و مؤلفان P، نام اسماعیل را به عنوان نیای اعراب، نامی مناسب برای نیای بزرگ قبایل عرب هم عصر خویش دیده اند [۱۱۱].

3_3 بیان مصادیق برخی از دوازده نام توراتی در میراث اسلامی

با بررسی دقیق این دوازده نام در روایات اسلامی معلوم می شود که از این دوازده نام، قیدار و نبیوت (نبت یا نبیت) از اجداد پیامبر اسلام اند. همچنین مسّا که ترجمه عربی آن حمل است، از اجداد ایشان محسوب می شود؛ اما بقیه نام ها در بین اجداد پیامبر یافت نمی شود. [۱۱۲] از سوی دیگر برخی از این اسامی، نام ها یا ویژگی هایی است که دوازده امام از خاندان پیامبر اسلام به آن شهرت یافته اند.

حدار (عبری ܚܕܐܪ، سریانی ܚܕܐܪ) نام مشهور امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛ به گونه ای که حتی یهودیان نیز این نام را می شناختند. در ماجرای جنگ خیبر، هنگامی که سردار رشید اسلام، امیرالمؤمنین علی علیه السلام مقابل مرحب، جنگاور قلعه خیبر، قرار گرفت، خود را چنین معرفی کرد: «من کسی هستم که مادرم مرا حیدره نامید» [۱۱۳]. مرحب به محض این که این نام را شنید، ترس تمام وجودش را فراگرفت؛ چراکه از دایه اش شنیده بود که قاتل او شخصی به نام حیدر خواهد بود. [۱۱۴]

در روایت دیگری از پیامبر اسلام صل الله علیه وآله خطاب به یک یهودی چنین آمده است: «یا یهودی! وصیی علی بن ابی طالب علیه السلام، و اسمه فی التوراة إلیا و فی الإنجیل حیدار» [۱۱۵] در حدیثی آمده است که راهبی با امیرالمؤمنین علیه السلام گفتگو کرد و نهایتاً زَنار درید و اسلام آورد و گفت: «من نام تو را در کتب پیشینیان، حیدره یافتیم» [۱۱۶].

جالب این است که در بین اعراب، اولین کسی که نامش حیدر نامیده شده، امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده و قبل از ایشان، این نام در عرب سابقه نداشته است [۱۱۷]. در کتاب های لغت عرب، ذیل ریشه «حدر» از ازهري نقل شده که حیدر نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده و در این مطلب هیچ اختلافی وجود ندارد [۱۱۸]. یکی از قدیمی ترین لغت دانان عرب، خلیل بن احمد فراهیدی [۱۱۹]، در مورد این نام چنین آورده است: «حیدره: اسم علی بن ابی طالب علیه السلام فی التوراة، وارتجز فقال: أنا الذی سمتنی أمی حیدره» [۱۲۰].

یکی دیگر از این دوازده نام «ابدیل» است. ابدیل _ چنان که گفتیم _ به معنای کشته خدا یا کسی است که برای خدا اعضایش تکه تکه و متفرق شده است؛ این معنا نیز به روشنی منطبق بر امام حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است.

تیمایم نیز یکی از این دوازده نام است که به معنای عابد یا کسی است که در نهایت عبادت است. این نام منطبق بر زین العابدین فرزند امام حسین علیهما السلام است [۱۲۱].

بطور نیز که دهمین نام از این دوازده اسم است، به معنای عسکری، از مشهورترین القاب امام هادی علیه السلام، دهمین امام از خاندان پیامبر علیهم السلام است.

سرانجام دوازدهمین نام از بین دوازده فرزند اسماعیل، قیدمه است؛ این نام چنان که گفته شد در زبان عبری و آرامی به معنای فجر است. فجر در روایات اسلامی یکی از نام های مشهور حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین فرزند از دودمان پیامبر اسلام و منجی آخرالزمان است. در روایتی از امام صادق علیه السلام ذیل آیه اول سوره فجر نقل شده که «فجر همان قائم (حضرت مهدی علیه السلام) است.» [۱۲۲] در حدیث دیگر ذیل آیه آخر سوره قدر چنین آمده است: «سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی حتی یخرج القائم علیه السلام.» [۱۲۳] این لقب از این جهت به ایشان اعطا شده است که این بزرگوار، منجی نهایی جهان است و در وقتی که جهان آکنده از تاریکی کفر و ظلم و جهل است، همچون فجر طلوع می کند و زمانه را به نور توحید و عدل و علم روشن می سازد.

4_3 جمع بندی

ما با چهار گروه مختلف به عنوان مصداق دوازده نفر از نسل اسماعیل روبه روییم. دسته اول: پسران بلا واسطه اسماعیل، دسته دوم: اجداد پیامبر اسلام (از نسل اسماعیل)، دسته سوم: قبائل عرب در هزاره پیش از میلاد، دسته چهارم: امامان معصوم از اهل بیت پیامبر اسلام. ما گزیری نداریم جز آن که یک دسته از این چهار گروه را به عنوان مصداق بشارت خدا به فرزندان اسماعیل انتخاب کنیم [۱۲۴]. اما ابتدا باید توجه کرد که این گروه منتخب، باید شرایط زیر را دارا باشند:

یکم: این افراد باید یک مجموعه دوازده نفری باشند. دوم: این دوازده شخص باید از لحاظ وجهه الهی، ربّانی یا امام به شمار آیند و جایگاهشان به گونه ای باشد که حتی حواریون حضرت عیسی علیه السلام نیز به مقام و منزلتشان نرسند. سوم: این اشخاص باید با پیامبر اسلام (مؤدّمود) ارتباط نزدیک داشته باشند؛ به گونه ای که شاید بتوان گفت فرزندان ایشان باشند.

حال بر پایه ملاحظاتی که برای یافتن مصداق این دوازده نام از فرزندان اسماعیل در سفر پیدایش ۱۷: ۲۰ بیان شد، و نیز بر اساس این سه شرط، به روشنی و بی تردید معلوم خواهد شد که منظور از این بشارت الهی به نسل اسماعیل، دسته چهارم، یعنی دوازده امام معصوم از خاندان پیامبر اسلام اند. درحالی که سه دسته اول، مجموعه دوازده تایی مشخصی نیستند، ربّانی نبوده و ارتباط نزدیکی نیز با پیامبر اسلام ندارند.

از سوی دیگر راجع به نام های ذکر شده به عنوان دوازده فرزند اسماعیل در فصل ۲۵ سفر پیدایش، با توجه به انطباق برخی از این دوازده نام با اسامی مختص دوازده امام از خاندان پیامبر صل الله علیه وآله که هیچ ذکری از آن ها در بین اجداد پیامبر اسلام و نیز در بین اعراب پیش از اسلام نیامده است، می توان دریافت که یگانه مصداق این نام های توراتی، همین دوازده امام از خاندان پیامبر اسلام اند. به عبارت دیگر، این ادعا معقول است که در اصل تورات و نه لزوماً در تورات کنونی، خداوند نام همه این دوازده امام از خاندان پیامبر را برای موسی و بنی اسرائیل بازگو کرده بود که برخی از این نام ها در تورات کنونی باقی مانده اند. البته این دوازده نام قطعاً در دسترس پیامبران بنی اسرائیل در هزاره پیش از میلاد نیز بوده است و احبار بنی اسرائیل در طول هزاره پیش از میلاد، برخی از این اسامی را به عنوان نسل اسماعیل، در نسب نامه های توراتی ذکر کرده اند.

اما از سوی دیگر ما با این واقعیت روبه روییم که نام (یا وصف) بعضی از دوازده امام از دودمان پیامبر، به طور صریح در این فهرست دوازده تایی تورات یافت نمی شود و به جای آن، نام برخی از قبائل عرب پیش از اسلام و یا اجداد پیامبر، جایگزین آن شده است؛ این نشان می دهد که یا همین دوازده نام موجود توراتی، نام دوازده امام از خاندان پیامبر به زبان عبری است و این مشکل ماست که قادر به تبیین و تطبیق برخی از آن ها بر اسامی دوازده امام نیستیم؛ یا چنان که ولهوسن گفته، احبار یهود در ویرایش نهایی تورات، نام های قبائل بزرگ عرب در زمان خویش را که برخی از آن ها همان نام اجداد پیامبر اسلام بوده است، در میان اسامی گنجانده اند.

نتیجه گیری

در این مقاله، تلاش کردیم تا نشان دهیم شواهد متعدّد و مورد اعتمادی وجود دارد که بیان می دارد آیات ۱۷: ۱۸ و ۱۷: ۲۰ در سفر پیدایش تورات، بشارتی برای ظهور پیامبر اسلام و دوازده امام است. این شواهد، از بررسی لغوی واژگان به کار رفته در این آیات در زبان های مختلف تا واکاوی کاربرد واژگان موردنظر در دیگر آیات تورات و هم چنین روایات اسلامی را شامل می شد. نتایجی که از این بررسی ها به دست آمد را می توان در چهار بخش تقسیم کرد: یکم: مفهوم امامت در دعای ابراهیم برای نسل خود؛ دوم: معنا و مصداق مئود مئود؛ سوم: معنای دوازده فرزند ربانی از نسل اسماعیل؛ و چهارم: مصادیق این دوازده فرزند بر اساس آیات مذکور در سفر پیدایش ۲۵. به هر تقدیر، این نوشته می تواند آغازی باشد برای پژوهش بیشتر در شواهد ارائه شده از آیات و یافتن قرائن تطبیقی محکم تر جهت تبیین نام دوازده ربانی از نسل اسماعیل.

پی نوشت ها:

[1]. تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۰.

2. دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه تهران. h.taghavi@ut.ac.ir.

[3]. دانشجوی دکترای قرآن و حدیث، دانشگاه تهران. ghandehari@ut.ac.ir.

[4]. دانشجوی دکترای فلسفه دین، دانشگاه تهران. feyzbakhsh@ut.ac.ir.

[5]. صف/۶ >: وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ >؛ أعراف/۱۵۷ >: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ >؛ بقره/۱۴۶ >: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ >؛ آل عمران/۸۱ >: وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ >.

[6]. برای نمونه رجوع کنید به روایات طویل مناظره امام رضا علیه السلام با اهل ادیان مختلف که در آن ها، بشارات متعددی از سوی امام رضا علیه السلام مطرح می شود: ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/۱۵۴.

[7]. ترجمه فارسی تورات که از قدیمی ترین نسخه عبری موجود (نسخه لنینگرا WTT مربوط به قرن دهم میلادی) توسط نویسنده انجام شده است.

[8]. اسماعیل بن عبدالرحمن بن ابی کریمه السدی از اصحاب امام سجاد و امام باقر علیهما السلام و مفسر شیعی معروف که تفسیر او باقی نمانده است؛ اما طبق نقل ابن طاووس (الطرائف، ۱/۱۷۲) و تستری (إحقاق الحق، ۷/۴۷۸) وی در تفسیر خود، این بشارت را به صورت تأویل شده در مورد نبی اکرم و ذریه او آورده است.

[9]. تاریخ نگار مسلمان، ابو محمد عبدالله بن مسلم دینوری — روزی، معروف به ابن قتیبه دینوری (۲۱۳ _ ۲۷۶ هجری قمری)، در ابتدای کتاب أعلام النبوة (در باب بشارات کتاب مقدس)، این آیه و آیات تکوین ۱۶: ۸ _ ۱۲ را آورده و در توضیح مراد آن ها می نویسد: «فتدبر هذا القول فإن فيه دليلاً بيناً على أن المراد به رسول الله صل الله عليه وآله، لأن إسماعيل لم تكن يده فوق يد إسحاق، ... فلما بعث رسول الله انتقلت النبوة إلى ولد إسماعيل، فدانت له الملوك وخضعت له الأمم، ونسخ الله به كل شرعة، وختم به النبيين، وجعل الخلافة والملك في أهل بيته إلى آخر الزمان، فصارت أيديهم فوق أيدي الجميع، وأيدي الجميع مبسوطة بالخضوع (Schmidtke, The Muslim) ...»

reception of biblical materials: Ibn Qutayba and his A'lām al-nubuwwa, p. 254)

برداشت وی از این بشارت، خلافت پیامبر تا آخر الزمان، از آن «اهل بیت او» خواهد بود.

[10] نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۱۰۸.

[11] مفید، محمد بن محمد، المسائل السرویة، ۴۳.

[12] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ۵۹، ذیل آیه ۱۲ سورة مائده: «... فی التوراة البشارة بإسماعیل علیه السلام، و أن الله یقیم من صلبه اثنی عشر عظیما، و هم هؤلاء الخلفاء الاثنا عشر المذكورون فی حدیث ابن مسعود و جابر بن سمرة». هرچند وی بدون ارائه هیچ دلیل نقضی، دوازده امام شیعه را مصداق این دوازده خلیفه نمی داند.

[13] مقصود از دانشمندان اهل کتاب، اعم از افرادی است که از اهل کتاب بوده و سپس

مسلمان شده اند.

[14] ابو اسحاق کعب بن ماته الحمیری الاحبار، پسر یک خاخام یهودی در یمن بود که مسلمان شده و در روزگار عمر بن خطاب می زیست. در منابع اسلامی، روایات متعددی به نقل از کعب الاحبار وجود دارد که طبق آن ها نام پیامبر در متون مقدس «ماذماذ» (یا کلماتی شبیه آن) بوده است. (به عنوان نمونه ر.ک: قاضی عیاض، عیاض بن موسی، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ۱/ ۲۳۴ و ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن، ۸۱) همچنین نعیم بن حماد مروزی (د. ۲۲۸ ق) به سند خود از کعب نقل کرده است که در پاسخ سؤالی در مورد تعداد ملوک این امت، گفته است: «أجد فی التوراة اثنی عشر ربّیا» (الفتن، ۵۵، ح ۲۲۵) طبق نقل ابن عیاش، وی اسامی ذکر شده در تورات برای فرزندان اسماعیل را (ر.ک: بخش دوم همین مقاله) در حقیقت اسامی امامان می دانسته است که اولینشان حضرت علی علیه السلام بوده است (مقتضب الاثر، ۲۶). آگاهی کعب از این بشارت، مورد سوءاستفاده راویان بعدی قرار گرفته و هرکدام به دلخواه خود، اسامی برخی از خلفا را نیز در این مجموعه وارد کرده اند. (الفتن، ۵۵، ح ۲۲۴)

[15] نعیم بن حماد از سرج الیرموکی، صحابی پیامبر که قبل از اسلام از یهودیان منطقه یرموک (نام رودخانه ای در اردن) بوده، نقل می کند که در تورات این گونه یافته است: «أن هذه الأمة إثننا عشر ربّیا أحدهم نبیهم فإذا وفّت العدة طغوا وبغوا ووقع بأسهم بینهم» (الفتن، ۵۵، ح ۲۲۳). همین روایت را با اندکی تفاوت، محمد بن أحمد الدولابی (د. ۳۱۰ هـ) در الکنی والأسماء، ۲/ ۸۸۳ و ابن بابویه در الخصال، ۴۷۴/۲ با اسانیدی متفاوت نقل کرده اند؛ ولی حلقه مشترک هر سه سند، حماد

بن سلمه، محدث بصری (د. ۱۶۷ ق) است. لازم به ذکر است که قسمت زیرخط دار در نقل ابن بابویه به صورت صحیح ضبط شده است: «و جدهم نبیهم». بخش پایانی روایت نیز مطابق نقل سنی احادیث اثناعشر به آخر نقل سرج افزوده شده است.

[16] طبق نقل ابن عیاش جوهری، وی از اولاد هارون و «حبر الیهود» در منطقه حیره در اطراف کوفه بوده و در قرن دوم می زیسته است. ابن عیاش از محدث بصری، ابوبکر هشام بن اُبی عبدالله الدستوائی (د. ۱۵۴ ق) نقل می کند که از این عالم یهودی شنیده است که اسامی ذکر شده در تورات برای فرزندان اسماعیل (ر.ک: بخش دوم همین مقاله) در حقیقت صفات اوصای حضرت محمد علیهم السلام است. (مقتضب الاثر، ۲۸)

[17] حاکم یهودیان جزیره که در زمان منصور مسلمان شده بود و اسامی حضرت محمد و دوازده وصی او را در تورات یافته بود. (همان، ۳۹)

[18] عالم یهودی قرن سوم در شهر ارگان (شهری تاریخی در شمال بهبهان که ساکنین آن یهودی بوده اند). نعمانی به یک واسطه از او نقل می کند که تعداد و اسامی عبرانی ائمه علیهم السلام را در تورات دیده است؛ سپس وی به بشارت مورد بحث اشاره می کند. (الغیة، ۱۰۸)

[19] خبر پرسش و پاسخ عالم یهودی از نسل هارون از امیرالمؤمنین و اخبار ایشان به دوازده امام، از معروف ترین احادیث این باب است که در کتاب های متعدد با اسانید مختلف نقل شده است. در چند نقل این حدیث، عالم یهودی اظهار می دارد که عدد ائمه عدل پس از پیامبر را در کتابی به خط هارون و املاء موسی دیده است. (ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۵۳۰/۱)

[20] در کتاب سلیم بن قیس (متعلق به قرن اول هجری)، ماجرای نصرانی ای آمده است که پس از جنگ صفین نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و به نقل از کتاب های مقدس نزد خود، خبر از ۱۳ بزرگ از نسل اسماعیل می دهد که عیسی بن مریم پشت آخرینشان نزول کرده و نماز می گزارد. (هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ۷۰۵/۲ و ۷۰۶)

[21] مکاشفات بحیرا را شخصی به نام اشوعیب در قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی ضبط کرده است. با پژوهش هایی که اخیراً بر روی این منبع صورت گرفته، به نظر می رسد که چهار منبع مسیحی از قدیمی ترین منابعی هستند که داست آن بحیرا را نقل کرده اند؛ دو منبع به زبان سریانی، دو منبع به زبان عربی. نسخه های سریانی، یکی حدود سال ۸۱۰ میلادی و دیگری حدود ۸۵۰ میلادی شکل گرفته است. منابع عربی از این دو نسخه متأخرترند:

krisztina Szilagyi, Muhammad and the monk: the making of the christian Bahira legend, pp. 185-192.

[22]. Barbara Roggema, The Legend of Sergius Bahira, p378,379.

[23]. همان، ۳۹۴.

[24]. همان، ۴۱۱.

[25]. ابوالحسن علی ابن سهل ریان طبری، پزشک معروف ایرانی در اوایل قرن سوم که ابتدا مسیحی بوده و سپس به اسلام گرویده است. برای ذکر این بشارت رک: طبری، علی بن ربّ، الدین و الدولة، ۱۳۱ و ۱۳۲.

[26]. السموأل بن یحیی المغربي (د. ۵۵۹ ق) منجم، ریاضیدان و پزشک یهودی که ۱۷ سال قبل از فوتش مسلمان شد . برای ذکر این بشارت رک: همو، إفحام الیهود، ۱۱۵.

[27]. Halft, Sa'īd b. Ḥasan al-Iskandarī, A Jewish Convert to Islam; Editio princeps of the Later Recension (732) of His Biblical Testimonies to the Prophet Muḥammad, p. 285.

[28]. ملاآقابابا (۱۷۷۱-۱۸۴۹ م) فرزند ملارحمیم، یکی از دو خاхам یهود تهران و رئیس یکی از کنیسه های محله عودلاجان که در سال ۱۸۲۲ میلادی در حضور ملااحمد نراقی اسلام آورد و نام خود را به محمدرضا تغییر داد . جایگاه ملاآقابابا در بین یهود آن چنان رفیع بوده که حبیب لوی، نویسنده یهودی کتاب یهودیان ایران، اسلام آوردن ملاآقابابا را ضربه سهمگینی بر پیکر نحیف یهود آن زمان تلقی می کند (تاریخ یهود ایران، ۳/ ۱۰۲۳). هم زمان با ایشان، هفتاد نفر از خاندانشان نیز اسلام آوردند . نگارنده نسبت خویشاوندی سببی نزدیکی با نوادگان محمدرضا جدید الاسلام دارد . هم اکنون نسل کثیری از ایشان به جای مانده که از این جمله اند خاندان های : سلیمانی، وکیلی، جواهریان، رحمانی، جواهری، ساعتچی، مظفریان، واعظ تهرانی، زمردیان، نقره چی و عظیم زاده.

« [29]. دوازده سرور که از ذریه حضرت اسماعیل به هم رسد باید همان دوازده امام شیعیان بوده باشد » (جدیدالاسلام، محمد رضا، اقامة الشهود فی رد الیهود، ۴۸).

[30]. ابن طاووس در ص ۸۱ التشریف بالمنن، با نقل روایتی از کعب الاحبار، ذکر نام مید (مؤودمئود) را در تورات، دلیل اسلام وی می داند . همچنین ابن قیم جوزیه از یکی از علمای یهودی که اسلام آورده نقل می کند که وی گفته هیچ یک از

علمای یهودی در مصداق این بشارت شکی ندارد . (ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، هداية الحیاری فی أجوبة اليهود والنصارى، ۳۷۰).

[31] طرفه آن که ناقل خبر تشیع یهودیان به خاطر این بشارت، ابن تیمیه (د 728 ق)، یکی از متعصب ترین مخالفان تشیع است؛ شاگرد وی، ابن کثیر، از او نقل می کند که درباره دوازده بزرگ از نسل اسماعیل که در بشارت یاده شده اند، گفته است: «غلط کثیر ممن تشرف بالإسلام من اليهود فظنوا أنهم الذين تدعو إليهم فرقة الرافضة فاتبعوهم» (البداية والنهاية، ۲۵۰/۶) ابن کثیر در تفسیر خود نیز تشرف تعداد زیادی از یهودیان به تشیع را ذکر می کند «: فیتشبع کثیر منهم جهلا و سفها» (تفسیر القرآن العظیم، همان).

[32] جالب آن که این امر مختص زمان های گذشته نبوده و در عصر حاضر نیز برخی از مبشرین مسیحی نیز به ارتباط این بشارت با دین اسلام اعتراف کرده اند. به عنوان نمونه، جان اتان کالور، مبلغ مسیحی دارنده مدرک دکترا از دانشکده تبشیر جهانی (School of World Mission) زیرمجموعه حوزه علمیة مسیحی فولر (Fuller Theological Seminary)، که بزرگ ترین حوزه علمیة مسیحی آمریکاست، در مقاله خود درباره بشارت سفر پیدایش : ۱۷، این آیه را بشارتی درباره امت اسلام تلقی می کند.

ر.ک. Jonathan Culver, The Ishmael Promise and Contextualization Among Muslims.

[33] محقق عراقی معاصر، صاحب مجله تراث النجف. ایشان در مقاله دعوة إبراهيم و إسماعیل عند رفع القواعد من البيت، به طور مبسوط راجع به این بشارت و ربط آن به امامت دوازده امام سخن گفته است.

[34] مباحث هامة فی المسيحية و الاسلام، ۳۹؛ و کتاب نبی ارض جنوب، ۱۴.

[35] مختصر اظهار الحق، ۳۵۵/۱.

[36] کتب و مقالات للدكتور حبيب بن عبدالمک، ۱۴۳.

[37] هل بشر الكتاب المقدس بالنبي محمد صل الله عليه وآله، ۲۷_۳۴.

[38] تخجيل من حرف التوراء والإنجيل، ۱۷۶_۱۷۸.

[39] نسخه AVD ترجمه کتاب مقدس به عربی است که در سال ۱۸۰۰ تحت نظر کشیش الی اسمیت (Eli Smith) آغاز شد و همکارش دکتر کرنیلیس ون دایک (Dr. Cornelius Van Dyke) کار او را به سرانجام رساند. این ترجمه در سال ۱۸۶۰ کامل شد.

[40] نسخه پادشاه جیمز King James Version که عموماً به نسخه کتاب مقدس پادشاه جیمز KJB معروف است، ترجمه انگلیسی بایبل است که نگارش آن برای کلیسای انگلیس در سال ۱۶۰۴ شروع شد و در ۱۶۱۱ پایان یافت. در سال ۱۶۰۴، شاه جیمز چهارم، مجلس همپتون را در دربار تشکیل داد که در آن نسخه جدیدی به زبان انگلیسی نوشته شود که مشکلات نسخه های قبل را نداشته باشد. این نسخه توسط ۴۷ دانشمند که همگی آن ها از اعضای کلیسای انگلیس بودند ترجمه شد. همانند اکثر ترجمه های دیگر، عهد جدید این نسخه از زبان یونانی و عهد قدیم از زبان عبری و آرامی ترجمه شده است، درحالی که آپوکریفا از یونانی و لاتین ترجمه شده است.

(LXX [41] به لاتین Septuaginta ::، در عربی: سبعینیه) نسخه ای از عهد عتیق است که در قرن سوم قبل از میلاد و در دوران فرمانروایی بطلمیوس فیلادفوس در مصر، توسط یهودیان اسکندریه از عبری به یونانی ترجمه شد. نام این نسخه برگرفته از این روایت است که این کتاب را نزدیک به هفتاد تن از دانشمندان یهودی ترجمه کرده اند LXX. با متن عبری تفاوت هایی داشت. مهم ترین تفاوت های آن این بود که کتاب هایی در این نسخه وجود داشت که متن عبری آن در دست نبود. این هفت کتاب عبارت اند از: طوبیت، جودیت، حکمت سلیمان، حکمت یشوع بن سیراخ، باروخ و کتب مکابیان. نسخه LXX برخلاف نسخه عبری که دارای ۳۹ سفر است، دارای ۴۶ سفر می باشد. در بین سال های ۲۰۰ ق.م تا ۱۰۰ ب.م بسیاری از یهودیان و مسیحیان، از این نسخه استفاده می کردند.

[42] Samaritan Targum. تارگوم سامری که بر اساس لهجه سامری به زبان آرامی شکل گرفته، یکی از کهن ترین ترجمه های تورات سامری است. تورات سامری نسخه ای عبری از تورات است که سامریان به جای تورات ماسوری از آن استفاده می کنند. برای شناخت سامریان باید دانست که بعد از وفات حضرت سلیمان، بنی اسرائیل به دو فرقه تقسیم شدند؛ فرقه نخسرت، دو سبط یهودا و بنیامین بودند و فرقه دوم نیز بقیه بنی اسرائیل را شامل می شدند. سامری ها ادعا می کنند که آن ها از نسل پادشاهی اسرائیل در شمال هستند و از نسل یوسف و لاوی که پس از مرگ سلیمان از پادشاهی یهودا در جنوب اسرائیل جدا شده بود (اول پادشاهان (12) البته یهودیان هیچ گاه این مطلب را در مورد ریشه سامری ها قبول نکرده اند. سامری ها تلمود را قبول ندارند و سنت های شفاهی خاص مربوط به خود را دارند. اعمال سامری ها بر اساس همین نسخه از پنج کتاب موسی است که در اختیار دارند. بسیاری بر این باورند که نسخه سامری، در قرن سوم پیش از میلاد وجود داشته است. فیفر از این دیدگاه بسیار حمایت می کند و می گوید: می توان گفت جامعه سامری پس از شکل گیری در

حدود ۴۰۰ قبل از میلاد، اسفار خمسه را به عنوان کتاب مقدس پذیرفت و ما شواهدی داریم که نسخه سامری مانند ماسوری، در آن زمان وجود داشته و می توان گفت از همان ابتدا سامریان آن را به عنوان کتاب مقدس خود برگزیده اند . یکی از مهم ترین شواهد موجود، نسخه های قمران است که در سال ۱۹۴۷ یافت شد. در یافته های قمران، دستخط های زیادی وجود دارند که دارای بافت نوشتاری مانند نسخه سامری هستند که حاکی از وجود این نسخه در دوران قبل از میلاد است. سامریان، تاریخ کتابت تارگوم سامری را سال ۲۰ پیش از میلاد می دانند و آن را به شخصی به نام ناتانایل (Nathanael) نسبت می دهند.

[43] نسخه WTT نسخه ای عبری از عهد عتیق است که بر پایه متن میشیگان _کلامونت در سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ در دانشگاه میشیگان آمریکا شکل گرفته است . این نسخه بر پایه نسخه (1977) Biblia Hebraica Stuttgartensia استوار گشته که آن نیز تلاشی برای احیای نسخه عبری قدیمی لنین گراد بوده است . نسخه لنین گراد، قدیمی ترین نسخه کامل عبری با بیل است که بر پایه متن عبری ماسوری استوار گشته و تاریخ کتابت آن سال ۱۰۰۸ میلادی است.

[44] تارگوم نفوفیتی (NFT) ، ترجمه ای آرامی از بیشتر بخش های تورات است . شرح آیات تورات در این تارگوم از تارگوم اونکلوس طولانی تر و از تارگوم یوناتان کوتاه تر است . تاریخ نگارش این تارگوم مشخص نیست . تاریخ کتابت نسخه ای از این تارگوم که اکنون موجود است، به سال ۱۵۰۴ در رُم بازمی گردد.

مارتین مک نامارا معتقد است که تاریخ نگارش این تارگوم به قرن چهارم میلادی بازمی گردد . زبان نگارش این تارگوم، آرامی فلسطینی است؛ به عکس تارگوم اونکلوس که آرامی بابلی است.

[45] تارگوم سودو_ یوناتان (Targum Pseudo-Jonathan) (PJT) ترجمه ای شرح گونه از تورات در سرزمین اسرائیل به زبان آرامی است. (برعکس تفسیر شرقی بابیلی یعنی تارگوم اونکلوس (Targum Onkelos) عنوان صحیح این کتاب، تفسیر اورشلیمی (Targum Yerushalmi) است که در قرون وسطی به این نام شناخته می شده، اما به علت اشتباهات چاپی، بعدها تفسیر یوناتان نام گرفت که به یوناتان بن اوزیل (Jonathan ben Uzziel) منسوب است. امروزه هنوز برخی از ویرایش های تورات، این کتاب را همچنان تارگوم یوناتان می خوانند. بنا بر نقل تلمود، یوناتان بن اوزیل (Yonatan ben Uzziel) طلبه ای اهل تحقیق از هیلل بوده است که ترجمه ای به زبان آرامی از کتب پیامبران بنی اسرائیل نوشت. در هیچ منبعی اشاره نشده که او مترجم تورات بوده است؛ بنابراین تمامی دانشمندان بر این موضوع که این تفسیر به یوناتان بن اوزایل غیر مرتبط است، اتفاق نظر دارند . دی رُسی (de Rossi) در قرن ۱۶ مدعی است دو نسخه

کامل از تفسیر تورات دیده است که بسیار به هم شبیه بوده اند . یکی از آن ها به نام تفسیر یوناتان بن اوزاییل و دیگری به نام تفسیر اورشلیمی بوده است.

[46] تارگوم اونکلوس (Targum Onkelos, TAR) یک ترجمه آرامی رسمی از تورات در بین یهودیان شرقی (بابلی) بوده است. گفته می شود این ترجمه توسط یک تازه کیش یهودی به نام اونکلوس (אונקלוס) در حدود سال های ۳۵ تا ۱۲۰ میلادی صورت گرفته است. ساموئل لوتزاتو معتقد است که تارگوم اونکلوس برای فهم عموم مردم بوده است. تارگوم اونکلوس به همراه تورات عبری به صورت آیه به آیه با صدای بلند و از حفظ در کنیسه های یهود خوانده می شده است و این امر هنوز در بین یهودیان یمن ادامه دارد. جایگاه این تارگوم در بین یهودیان تا بدان جاست که به گفته تل مود: «یک شخص باید سهمش از کتاب مقدس را به همراه جماعت یهودیان به این نحو کامل کند <: کتاب مقدس را دو بار و تارگوم را یک بار بخواند.»>

Peshita Old Testament [47] پشیتا یا پشیطا (ܡܫܝܬܐ Pšîttâ) به معنی ساده، متداول و بسیط، نسخه معیار کتاب مقدس در کلیساهای مسیحی آشوری سریانی زبان است. اعتقاد عمومی بر این است که عهد عتیق پشیتا از عبری به سریانی در قرن دوم میلادی ترجمه شده است. کرافورد بورکیت به این نتیجه رسیده که ترجمه عهد عتیق پشیتا احتمالاً کار یهودیانی که در اُدسا زندگی می کرده اند بوده است. عهد عتیقی که برای کلیسای سریانی شناخته شده بوده متعلق به جامعه یهودیان فلسطینی بوده است. نسخه فعلی که این آیات از آن اخذ گردیده است، مشهور به 17a است که آن را به قرن ۶ یا ۷ میلادی نسبت می دهند. این نسخه در سال ۱۸۶۶ توسط آنتونیو سریانی، کشف و بین سال های ۱۸۷۶ تا ۱۸۸۳ چاپ شده است.

[48] شحاده، حسیب، الترجمة العربية لتوراة السامريين، المجلد الاول لسفر التكوين و الخروج، ۶۹.

[49] پیدایش ۱۷: ۱۸ نسخه. KJV.

[50] تارگوم NFT آیه ۶: ۹.

[51] اول پادشاهان، فصل ۲، آیات ۳ و ۴: «(۳) وصایای یهوه، خدای خود را نگاه داشته، به طریق های وی سلوک نما، و فرایض و اوامر و احکام و شهادت وی را به نوعی که در تورات موسی مکتوب است، محافظت نما تا در هر کاری که کنی و به هر جایی که توجه نمایی، برخوردار باشی. (۴) و تا آنکه خداوند، کلامی را که درباره من فرموده و گفته است، برقرار دارد

که اگر پسران تو، راه خویش را حفظ نموده، به تمامی دل و به تمامی جان خود در حضور من به راستی سلوک نمایند، یقین که از تو کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند، مفقود نخواهد شد.»

[52] اول پادشاهان، فصل هشتم، آیات ۲۳ تا ۲۵.

[53] تارگوم اونقلوس سفر پیدایش، آیه ۱۷: ۱.

[54] سفر پیدایش، فصل ۱۷، آیه ۲.

[55] پیدایش ۱۷: ۲۰: «اما در مورد اسماعیل؛ من درخواست تو را درباره او شنیدم (قبول کردم)». به تعبیر تارگوم: «در مورد اسماعیل دعای تو را پذیرفتم.»

[56] پیدایش ۱۷: ۲۰.

[57] از نکات جالب در این تحقیق این بود که پس از توجه به تشابه آیات فصل هفدهم سفر پیدایش با آیه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره و نگارش و نتیجه این تطبیق همان گونه که در مقاله آمده، روایتی از پیامبر اکرم صل الله علیه وآله یافت شد که به این ارتباط به وضوح اشاره دارد؛ راوی این روایت عبدالله بن مسعود است که چنین می گوید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا دَعَوْتُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ. فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَكَيْفَ صِرْتُ دَعْوَةَ أَبِيكَ إِبْرَاهِيمَ؟ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَاسْتَخَفَّ إِبْرَاهِيمُ الْفَرَحَ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، وَمِنْ ذُرِّيَّتِي أَيْمَةً مِثْلِي؟ فَأَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) إِلَيْهِ: أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ، إِنِّي لَا أُعْطِيكَ عَهْدًا لَا أَفِي لَكَ بِهِ. قَالَ: يَا رَبِّ! مَا الْعَهْدُ الَّذِي لَا تَفِي لِي بِهِ؟ قَالَ: لَا أُعْطِيكَ لِظَالِمٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ. قَالَ: يَا رَبِّ! وَمَنْ الظَّالِمُ مِنْ وَلَدِي الَّذِي لَا يَنَالُ عَهْدَكَ؟ قَالَ: مَنْ سَجَدَ لِصَنَمٍ مِنْ دُونِي لَا أَجْعَلُهُ إِمَامًا أَبَدًا، وَلَا يَصِحُّ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا. قَالَ إِبْرَاهِيمُ: وَاجْتُنِبِي وَبَنِي أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ، رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَا كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَانْتَهَتْ الدَّعْوَةُ إِلَيَّ وَإِلَى أَخِي عَلَى لَمْ يَسْجُدْ أَحَدٌ مِنَّا لِصَنَمٍ قَطُّ، فَاتَّخَذَنِي اللَّهُ نَبِيًّا، وَعَلِيًّا وَصِيًّا. (طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ۳۷۹؛ و حسانی، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ۱/ ۴۱۱) قابل توجه است که روایت «أَنَا دَعَوْتُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ» را بسیاری از علمای شیعه و سنی نقل کرده اند.

[58] به تعبیر قرآنی ابراهیم می گوید: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»؛ یعنی خدایا آیا ممکن است از نسل من نیز امامانی قرار دهی؟

[59] بقره/۱۲۴.

[60] واژه **הַרְבֵּי** در عبری به معنای «عظمت می دهم»، «فزونی می بخشم» و «کثرت می بخشم» است. ر.ک: Strong, James, Strong's Hebrew Lexicon, ذیل کد ۰۷۲۳۵ اما با توجه به این که برکت و باروری (کثرت در نسل) قبلاً در این آیه آمده است، لذا برای عدم تکرار بهتر است **הַרְבֵּי** را به معنای «عظمت می بخشم» گرفت.

[61] منظور زمانی است که این کلمه به تنهایی به کار رفته نه به صورت متوادمود.

[62] این ریشه و مشتقات آن در هر آیه از کتاب مقدس که به کار رفته در ترجمه های عربی به «حمد» برگردان شده است (تکوین ۳۵: ۲۹، اشعیا ۱: ۱۲، ۱: ۲۵: و بیش از دوازده آیه از مزامیر داود). برای معنای ریشه این کلمه نگاه کنید به Strong, James, Strong's Hebrew ذیل کد H3034

[63] اگر مود یا مئود چنانچه گفته شد به معنای احمد معنا شود، در این حالت مئود مئود شکل مضاعف مئود (احمد) و به معنای بسیار ستوده شده (محمد) است.

[64] طاب طاب به معنای طیب طیب است که به معنای مرغوب فیه یا تحسین شده، با همان معنای احم د یا محمد در عربی کاملاً سازگار است و با توجه به این که مکرر واژه مئود یا طیب به صورت مئودمئود یا طیب طیب بسیار به ندرت در کتاب مقدس به کار رفته است و نیز در آیه ۱۷: ۲۰ سفر پیدایش با حرف اضافه باء به کار گرفته شده است. در روایات اسلامی نیز مئودمئود را به طیب طیب معنا کرده اند: «... فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ: فَمَا مَعْنَى مِيدْمِيد؟ قَالَ: طَيْبٌ طَيْبٌ...» (ابن شاذان قمی، فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام، ۲۲۲). همچنین در بسیاری از روایات شیعه و اهل سنت، نام پیامبر در تورات یا صحف ابراهیم، طاب طاب دانسته شده است. (به عنوان نمونه، ر.ک: ابن حمزه، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، ۲۶۹ به نقل از امیرالمؤمنین در پاسخ یهودی ای که اسامی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را از تورات می پرسد. همچنین ر.ک: نبهانی، یوسف بن اسماعیل، حجة الله على العالمين في معجزات سعي المرسلين، ۸۷)

[65] معادل عربی واژه لحدا لحدا، حادّ به معنای تیز، تند و شدید است که از ریشه حدد می باشد. این واژه و هم خانواده های آن در زبان عربی و آرامی، گاهی برای اشخاص نیز استفاده می شود. می توان نشان داد که چه بر پایه زبان عبری و چه آرامی، می شود واژه **הַחַד** را به «الحادّ» معنا کرد. در این صورت این واژه تداعی کننده اسم خاص دیگری برای پیامبر اسلام است به معنای «الحادّ»، یعنی کسی با دشمنان خدا حدّت دارد و دشمنی می کند؛ اما نکته جالب این است که الحادّ دقیقاً همان نامی است که در برخی متون روایی اسلامی به عنوان «نام پیامبر اسلام در تورات» آمده است. (به عنوان نمونه، ر.ک: ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴/ ۱۷۷؛ همچنین: همو، الامالی، ۱۷۱ به نقل از امام باقر علیه السلام).

[66] در آینده، مقاله ای از همین نویسنده در این موضوع منتشر خواهد شد.

[67] سعید بن حسن الاسکندری، یهودی مسلمان شده در قرن هفتم نیز این معنا را تأیید می کند. او می گوید: «مفسران لغت عبری، در شرح لفظ مازماد، شروحي متفاوت داده اند. یک عده از آن ها گفته اند که مازماد به معنای احمد احمد است...»

(Halft, Saīd b. Hasan al-Iskandarī: A Jewish Convert to Islam, Mideo(30), P267)

[68] دقت کنید که مئودمئود واژه ای است که در زبان عبری بر اسم خاصی از ریشه حمد دلالت می کند. به عبارت دیگر می توان گفت این واژه هم ردیف احمد و حامد و محمود و حمید است با این تفاوت که صیغه تأکید شده حمد است؛ بنابراین همان طور که اگر مئود در معنای زیاد به کار رود، در ترجمه فارسی، مئود مئود را زیاد زیاد معنا نمی کنیم، بلکه بسیار زیاد معنا می کنیم، در اینجا نیز روش صحیح ترجمه آن است که به جای این که آن را دقیقاً احمد احمد معنا کنیم، آن را حمید و محمّد (بسیار ستوده شده) بدانیم.

[69] ر.ک: واژه ۵۹۵۴. Strong, James, Strong's Hebrew Lexicon.

[70] البته به صورت اضافی به کاهنان و مجمع اضافه شده است که معنای آن بزرگ کاهنان یا بزرگ مجمع یهودیان و ... است.

[71] ر.ک: انجیل پشیتا، متی ۲۳: ۱ تا ۲۳: ۸.

[72] آل عمران/۷۹؛ مائده/۴۴ و ۶۳.

[73] «... فَالرَّبَّانِيُونَ هُمُ الْأَئِمَّةُ دُونَ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ يَرْبُّونَ النَّاسَ بِعِلْمِهِمْ وَالْأَحْبَارُ دُونَهُمْ وَ هُمْ دُعَاؤُهُمْ». (ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ۱/ ۳۷)

[74] حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ۱۴۷، به نقل از کتاب سلیم بن قیس.

[75] ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۳۷ / ۳۳۱.

[76] ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، ۲ / ۴۵.

[77] سفر پیدایش ۱۵ _ ۲۵:۱۳؛ سفر اول تواریخ ایام آیات ۲۹ تا ۳۱.

[78] نسخه. ABP.

[79] نسخه. VUL.

[80] ابد در عربی و نیز عبری به معنای از بین رفتن و قطع شدن و متفرق شدن و ایل در عبری به معنای خداست. בָּאֵל הַשִּׁי
ءُ یִיבֵדُ یִיבֵדָא: إذا تفرَّق و توزَّع (مفردات راغب اصفهانی ذیل بید). بید: فنا، از بین رفتن (قاموس قرآن ذیل واژه بید). نیز در
عبری نگاه کنید به koehler-baumgartner, Hebrew and Aramaic lexicon ذیل واژه אבד (ابد) که به معنای
to get lost, perish است.

koehler-baumgartner, Hebrew and Aramaic lexicon [81] ذیل واژه אבד.

[82] همان، ذیل واژه שמע.

koehler-baumgartner, Hebrew and Aramaic lexicon [83]3. ذیل واژه אבד.

[84] همان، ذیل واژه שמע.

Brown, Driver, Briggs, Hebrew and English Lexicon [85] ذیل واژه חדר.

[86]. Marcus Jastrow, A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushlami,
and the Midrashic Literature (ذیل واژه חמה)

[87] قاموس المحيط و لسان العرب ذیل واژه تیم.

[88] این مطلب بسیار دقیق و لطیف است که در جایگاه دیگری باید به آن پرداخته شود.

Brown, Driver, Briggs, Hebrew and English Lexicon [89] ذیل همین واژه.

[90] همان، ذیل واژه שמע.

[91]. مصباح المنیر، ذیل واژه نفس: کرم الشیء کرما: نفس و عزّ، فهو کریم. نَفْسُ الشَّيْءِ بِالضَّمِّ نَفَاسَةٌ كَرُمَ فَهُوَ نَفِيسٌ کریم؛ العین 270/7 النفس: الروح الَّذی به حیاة الجسد. و رجل له نفس، أى خلق و جلادة و سخاء.

[92]. Brown, Driver, Briggs, Hebrew and English Lexicon. ذیل همین واژه.

[93]. ذیل واژه ἀνατολή در Friberg, Analytical Greek Lexicon.

[94]. Marcus Jastrow, A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushlami, and the Midrashic Literature, P1355.

[95]. Strong, James, Strong's Hebrew Lexicon. ذیل کد ۰۸۴۳۵.

[96]. اصولاً واژه γεγενῶν برای ذکر فرزندانِ بلا واسطه یک شخص به کار نمی رود. برای نمونه در آیات ابتدایی فصل اول سفر خروج چنین آمده است: «۱ و این است نام های پسران اسرائیل که به مصر آمدند، هر کس با اهل خانه اش همراه یعقوب آمدند: ۲ رؤبین و شمعون و لاوی و یهودا، ۳ یساکار و زبولون و بنیامین، ۴ دان و نفتالی، و جاد و اشیر». (نسخه Old Persian) در اینجا می بینیم که سخنی از این نیست که این است نام های پسران اسرائیل به حسب نسل هایشان. نیز در آیات دیگری از تورات، نسب نامه نسل عیسو چنین بیان شده است 9: «و این است پیدایش عیسو پدر ادم در جبل سعیر ۱۰ این است نام های پسران عیسو: الیفاز پسر عاده، زن عیسو، و رعوئیل، پسر بسمه، زن عیسو...» (آیات ۹ و 10 فصل ۳۶ سفر پیدایش، نسخه Old Persian). در این آیات نیز دقت مذکور اعمال شده است. در آیه ۹ وقتی که نسب نامه نسل هایی که از عیسو پدید می آیند بیان شده است، گفته شده: این است پیدایش (یا نسل های) عیسو و واژه תְּלֻדוֹת (تَلْدُوت) به معنای «نسل ها» به کار رفته است. اما در آیه ۱۰، وقتی پسران مستقیم عیسو را نام می برد، این واژه دیگر به کار نمی رود.

[97]. از بین این دوازده نام، تنها نام قیدار در عهد عتیق در کتاب اشعیا 16: 21 و ۲۱: ۱۷ و ۴۲: ۱۱ و ۷: ۶۰ و کتاب ارمیا (۱۰: ۲ و ۲۸: ۴۹ تا ۳۳: 49) و حزقیال (۲۷: ۲۱) و مزامیر (۵: ۱۲۰) و امثال سلیمان (۵: ۱) و نام نبایوت در پیدایش (۹: ۲۸ و ۳: ۳۶) و اشعیا (۷: ۶۰) و نام یطور و نافیش در اول تواریخ (۱۹: ۵) آمده است. بقیه اسامی به عنوان فرزندان اسماعیل در جای دیگری از عهد عتیق نیامده است.

[98]. هیچ ذکر قابل اعتمادی در تاریخ از این دوازده پسر اسماعیل نیست. تنها تاریخ نگار یهودی، جوزفوس، این فرض را مطرح کرده که بر اساس شباهت آوایی بین نَبَطِیان (Nabataeans) که در دوره هلینستیک در منطقه اردن حاکم بوده اند و

نبايوت، قاعدتاً اين ها بايد نبطيان از نسل نبايوت باشند (The complete works of Flavius Josephus, translated by William Whiston, Thompson & Thomas, Chicago, 1901, P43). (Jerome) به تبعيت از جوزفوس و ديگر مورخين كتاب مقدس به تبعيت از ژروم، همين مطلب را تکرار کرده اند. مورخان جديد هيچ ارتباطی بين نبطيان و قبیله نبايوت نيافته اند. در قديمی ترين سند تاريخی نيز که از قيدار به دست آمده، باستان شناسان تنها کتيبه هايی از نئوآشوريان در قرن ۸ و ۷ قبل از ميلاد را کشف کرده اند که در آن ها نام تعدادی پادشاهان قيداري آمده که از اعراب بوده اند و با نئوآشوريان جنگيده و شکست خورده اند (Saana Teppo, Women and their agency in the Neo-Assyrian Empire, P.47؛ البته ارتباط بين قيدار پسر اسماعيل و اين پادشاهان قيداري، برای تاريخ دانان مسلم نيست. وضعيت بقيه اسامي در مکتوبات تاريخ نگاران از قيدار و نبايوت بسيار ضعيف تر است.

[99]همين دوازده نام با اندکی تفاوت در اول تواريخ ايام (۲۹: ۱ تا ۳۱: ۱) نيز تکرار شده است.

[100]از بند قبل معلوم شد که با دقت در متن آيات فصل ۲۵ سفر پيدایش نيز می توان دریافت که حتی تورات نيز اين دوازده نفر از نسل اسماعيل را به عنوان پسران بلا واسطه او معرفی نمی کند.

[101]. Strong, James, Strong's Hebrew Lexicon, ذیل کد ۰۸۰۳۴.

[102]گفته شد که نبطيان گروهی در هزاره پيش از ميلاد بوده اند که در منطقه اردن می زيسته اند. ربط نبايوت به نبط یک تفسير است نه ترجمه.

[103]تارگوم PST ذیل سفر پيدایش، آيات ۲۵: ۱۳ تا ۲۵: ۱۵.

[104]رابی های يهود، محدوده زندگي موسی را بين سال های ۱۳۹۱ تا ۱۲۷۱ پيش از ميلاد، ژروم، سال تولد موسی را ۱۵۹۲ و آشر، ۱۶۱۲ پيش از ميلاد دانسته اند.

[105]اين طومارها در سال ۱۹۴۷ کشف شده اند و حاوی مکتوباتی بين سال های ۱۰۰ پيش از ميلاد تا ۲۰۰ ميلادی هستند.

[106]بسيار عجيب است که در هر پنج نسخه ای که از سفر پيدایش تورات در قمران کشف شده، قسمتی از طومارها که شامل متن فصل ۱۷ راجع به اسماعيل و اين آيات است، از بين رفته است.

[107]. Riches, The Bible: A Very Short Introduction, pp. 19–20.

جدیدترین و معتبرترین نظریه ای که راجع به زمان کتابتِ تورات وجود دارد، نظریه «فرضیه مستند» یا نظریه «ولهوسن» است. این نظریه در قرن ۱۸ و ۱۹ برای تلاش در وفق دادن برخی تناقضات کتاب مقدس شکل گرفته است. بر طبق این نظریه، تورات، مأخوذ از منابع مستقل اولیه ای است که جمعی ویراستار آن را به شکل کنونی ترکیب کرده اند. این منابع عبارت اند از: منبع J که مخفف عبارت Jahwist است، منبع E که اشاره به Elohist دارد، منبع D که به Deuteronomist اشاره دارد و منبع P که Priestly به معنای نوشته های احبار و بزرگان یهود است.

زمان نگارش منبع J حدود ۹۵۰ سال قبل از میلاد و منبع E حدود ۸۵۰ سال قبل از میلاد است. این نظریه بیان می کند که زمان نگارش منبع P بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد است. این مطلب به معنای این نیست که اصلِ توراتِ امروزی هیچ ارتباطی به توراتی که بر موسی نازل شده ندارد؛ بلکه بدین معناست که شکل فعلی ویرایشِ تورات در هزاره پیش از میلاد شکل گرفته است و اسامی توراتی، مسیری بس طولانی را در زبان ها و لغت های گوناگون طی کرده اند تا به امروز رسیده اند. (رک Harris, Understanding the Bible):

[108] اختلاف کتابت اسامی در عهدین بیش از آن است که بتوان در این مقاله آن را احصا کرد. برای نمونه می توانید برخی از آن ها را در این پایگاه مشاهده کنید:

www.familysearch.org/learn/wiki/en/Variations-of-Biblical-Names-in-Old-Documents

[109] به این مطلب دقت کنید که گفته شد برخی از این دوازده نام، اسامی قبائل در هزاره پیش از میلاد بوده، نه همه آن ها.

[110]. Noble, John Travis, "Let Ishmael Live Before You!" Finding a Place for Hagar's Son in the Priestly Tradition, p.68.

[111] همان، ص ۱۴۱.

[112]. « رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدٌ وَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ بْنِ قُصَيٍّ بْنِ كَلَابٍ بْنِ مُرَّةَ بْنِ لُؤَيٍّ بْنِ غَالِبٍ بْنِ فِهْرِ بْنِ مَالِكِ بْنِ النَّضْرِ بْنِ كِنَانَةَ بْنِ خُزَيْمَةَ بْنِ مُدْرِكَةَ بْنِ إِبِلَاسَ بْنِ مُضَرَ بْنِ نِزَارِ بْنِ مَعَدٍّ بْنِ عَدْنَانَ بْنِ أَدَّ بْنِ أَدَّ بْنِ الْيَسَعِ بْنِ الْهَمَيْسَعِ بْنِ سَلَامَانَ بْنِ النَّبْتِ بْنِ حَمَلٍ بْنِ قَيْدَارِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ... وَ قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ عَدْنَانَ بْنُ أَدَّ بْنِ أَدَّ بْنِ زَيْدِ بْنِ يَعْدَدِ بْنِ يُقْدُمُ بْنُ الْهَمَيْسَعِ بْنِ نَبْتِ بْنِ قَيْدَارِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ عَدْنَانَ بْنُ أَدَّ بْنِ أَدَّ بْنِ الْيَسَعِ بْنِ الْهَمَيْسَعِ وَ يَقَالُ ابْنُ يَامِينَ بْنِ يُحْشَبِ بْنِ مَنَحَدِ بْنِ صَابُوعِ بْنِ الْهَمَيْسَعِ بْنِ نَبْتِ بْنِ قَيْدَارِ بْنِ

إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ...» (حلی، علی بن یوسف، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، (134؛ همچنین طبرسی، نسب حضرت را اینگونه ذکر کرده است: «وَرَوَى عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَتْ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَعْدُ بْنُ عَدْنَانَ بْنِ أَدَدَ بْنِ زَيْدِ بْنِ ثَرَا بْنِ أَعْرَاقِ الثَّرَى . قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ : زَيْدٌ هَمَيْسَعٌ وَثَرَا نَبْتُ وَأَعْرَاقُ الثَّرَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ. قَالَتْ: ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : وَ عَادَا وَ ثُمُودَ وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ» (طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۶)

« [113]أَنَا الَّذِي سَمَّيْتَنِي أُمِّي حَيْدَرَةَ ». در مدارک فراوانی به این مصرع اشاره شده است . به عنوان نمونه، ر.ک: نصر بن مزاحم، وقعة صفین، 390.

[114]طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۴.

[115]ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ۳۹۷.

[116]طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۱/ ۲۰۷.

[117]نگارنده دو شاهد بر این مدعا دارد : یکی این که با جستجوی کلیدواژه های حیدره و حیدر در نرم افزار «المکتبة الشاملة»، با بیش از دویست عنوان کتاب مشهور تاریخی و سی عنوان کتاب انساب عرب، اثری از این نام پیش از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام یافت نمی شود . دیگر این که با بررسی کتب لغت عرب (شامل معجم ها و لغتنامه ها و کتب علم لغت) معلوم می شود که حیدر یا حیدره، یکی از اسامی شیر (اسد) بوده و پیش از امیرالمؤمنین علیه السلام کسی به این نام شهرت نداشته است . به عنوان نمونه، صاحب بن عباد می نویسد: «الْحَيْدَرَةُ: مِنْ أَسْمَاءِ الْأَسَدِ، وَ بِهِ سُمِّيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ _ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ _ حَيْدَرَةً». (المحیط فی اللغة، ۳/ ۳۶). (ابن منظور نیز در لسان العرب تصریح می کند یکی از نام های امام علی علیه السلام حیدر بوده است. (لسان العرب، ۳/ ۲۶۱)

[118]همان، ۴/ ۱۷۴؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ۶/ ۲۵۳.

[119]خلیل بن احمد (۱۰۰ تا ۱۷۵ هجری) صاحب کتاب لغتنامه العین که قدیمی ترین کتاب لغت عرب است.

[120]خلیل بن احمد، العین، ذیل لفظ حدر.

[121] خزّاز، علی بن محمد، کفایه الأثر، ۸۳: «... فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ: مَا هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي صَلْبِ الْحُسَيْنِ؟ فَأُطْرِقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! سَأَلْتَ عَظِيمًا وَلَكِنِّي أُخْبِرُكَ أَنَّ ابْنِي هَذَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى كَتِفِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُجُ مِنْ صَلْبِهِ وَلَدٌ مُبَارَكٌ سَمِيَ جَدُّهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْمَى الْعَابِدَ.»

[122] بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۶۵۰/۵.

[123] کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ۵۸۲.

[124] هرچند برخی محققان احتمال داده اند که مصداق این دوازده نفر از نسل اسماعیل، منحصر در یک گروه نباشد و علاوه بر افراد ذکر شده در فصل ۲۵ سفر پیدایش، شاید بتوان در آینده مصداق دیگری برای این دوازده نفر یافت؛ چنانکه کتاب مقدس در مورد دوازده نفر از پیشوایان فرزندان اسرائیل (نقباء بنی اسرائیل) در دو زمان مختلف، دو مصداق متفاوت تعیین کرده است. (امامی، مسعود، دلیلی نوین بر امامت دوازده امام شیعه، ۱۷۱).

فهرست منابع:

ابن بابویه، محمد بن علی، الأُمّالی، کتابچی، تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.

_____، التوحید، جامعه مدرسین، ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ ق.

_____، الخصال، جامعه مدرسین، قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.

_____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.

_____، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم و الفتن، مؤسسه صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۶ ق.

ابن قیم الجوزیه، محمد بن أبی بکر، هداية الحیاری فی أجوبة اليهود والنصارى، دار القلم، دار الشامیه، ۱۴۱۶ ق.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق محمد حسين شمس الدين، دار الكتب العلمية، بيروت.

ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

امامی، مسعود، دليلی نوین بر امامت دوازده امام شیعه، مجله امامت پژوهی، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۸.

بدري، سيدسامی، دعوة إبراهيم و اسماعيل عند رفع القواعد من البيت، مجله ميقات الحج، السنة الأولى، سنة ۱۴۱۵، العدد ۱.

جديد الاسلام، محمدرضا، اقامة الشهود في رد اليهود، چاپ سنگی.

الجعفری الهاشمی، صالح بن الحسين، تخجيل من حرف التوراة والإنجيل، دراسة و تحقيق: محمود عبد الرحمن قدح، الناشر : مكتبة العبيكان، الرياض، المملكة العربية السعودية، الأولى، ۱۴۱۹ ق.

حبيب بن عبدالملك، كتب و مقالات للدكتور حبيب بن عبدالملك، نرم افزار المكتبة الشاملة.

حسكاني، عبيد الله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

حلي، علي بن يوسف، العدد القوي لدفع المخاوف اليومية، كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

خزاز رازی، علي بن محمد، كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر، بيدار، قم، ۱۴۰۱ ق.

الدولابي الرازي، محمد بن أحمد، الكنى والأسماء، المحقق: أبو قتيبة نظر محمد الفاريابي، دار ابن حزم، بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ ق.

السقار، منقذ بن محمود، هل بَشَر الكتاب المقدس بمحمد صلى الله عليه وسلم،

دار الإسلام للنشر والتوزيع، بی جا، ۱۴۲۸ ق.

شرقاوی، جمال الدين، مباحث هامه في المسيحية و الاسلام، نرم افزار المكتبة الشاملة .

شرقاوی، جمال الدين، نبی أرض الجنوب في الأسفار اليهودية والمسيحية، دار هادف للنشر والتوزيع، قاهره، بی تا .

صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، عالم الكتاب، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

- طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، نشر مرتضى، مشهد، چاپ اول، ١٤٠٣ ق.
- الطبرى، على بن ربن، الدين والدولة فى اثبات نبوة النبى محمد صلى الله عليه وسلم، حققه وقدم له: عادل نويهض، دار الآفاق الجديدة، الطبعة الأولى، 1393ق.
- طوسى، محمد بن الحسن، الأمالى، ١ جلد، دار الثقافة، قم، چاپ اول، ١٤١٤ ق.
- قاضى عياض، عياض بن موسى، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، دار الفكر لطباعة والنشر والتوزيع، قم، ١٤٠٩ ق.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ق.
- الكيرانوى الهندى، رحمه الله بن خليل الرحمن، مختصر اظهار ال حق، تحقيق محمد أحمد عبد القادر ملكاوى، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، المملكة العربية السعودية، ١٤١٥ ق.
- لوى، حبيب، تاريخ يهود ايران، بروخيم، ١٣٣٩ ش.
- مروزى، نعيم بن حماد، الفتن، محقق: أيمن محمد محمد عرفة، المكتبة التوفيقية، القاهرة، ١٤١٢ ق.
- المغربى، السموأل بن يحيى بن عباس، إفحام اليهود، وقصة إسلام السموأل، ورؤياه النبى صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد عبد الله الشرقاوى، دار الجيل، بيروت الطبعة: الثالثة، ١٤١٠ ق.
- مفيد، محمد بن محمد، المسائل السروية، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد، قم، چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
- منقرى، نصر بن مزاحم، وقعة صفين، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، قم، چاپ: دوم، ١٤٠٤ ق.
- نهبانى، يوسف بن اسماعيل، حجة الله على العالمين فى معجزات سيد المرسلين، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٧ ق.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبة، نشر صدوق، تهران، چاپ: اول، ١٣٩٧ ق.
- هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، الهادى، ايران؛ قم، چاپ: اول، ١٤٠٥ ق.

Brown, F., S. R. Driver, and C. A. Briggs. Brown-Driver-Briggs Hebrew Lexicon. With an appendix containing the Biblical Aramaic based on the lexicon of W. Gesenius as translated by E. Robinson. Oxford: Clarendon Press 1907

Culver, Jonathan, “The Ishmael Promise and Contextualization Among Muslims”,
International Journal of Frontier Missions, Vol. 17: 1 Spring 2000

Friberg, Analytical lexicon of the Greek New Testament, Baker Books, 2000

īd b. Hasan al-Iskandarī, A Jewish Convert to Islam; Editio princeps of .Halft, Denis, “Sa
the Later Recension (732) of His Biblical Testimonies to the Prophet Muhammad”,
Mideo 30 (2014), p. 285

Harris, Stephen, Understanding the Bible. Palo Alto: Mayfield. 1985

Jastrow, Marcus, A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushlami, and
the Midrashic Literature, London and New York, 1903

Josephus, Flavius, The complete works of Flavius Josephus, translated by William
Whiston, Thompson & Thomas, Chicago, 1901

koehler-baumgartner, Hebrew and Aramaic lexicon

Noble, John Travis, “Let Ishmael Live Before You!” Finding a Place for Hagar’s Son in
the Priestly Tradition, doctoral Dissertation, Harvard University, 2013

Riches, John, The Bible: A Very Short Introduction. Oxford: Oxford University Press,
2000

Roggema, Barbara, The Legend of Sergius Bahīrā. Eastern Christian Apologetics and
Apocalyptic in Response to Islam (History of Christian-Muslim Relations, 9.) Leiden and
Boston: Brill, 2009.

Schmidtke, Sabine, “The Muslim reception of biblical materials: Ibn Qutayba and his
lām al-nubuwwa”, Islam and Christian–Muslim Relations, 22: 3, 249-274.A

Strong, James, Strong’s Hebrew Lexicon. ([http:
//www.sacrednamebible.com/kjvstrongs/index2.htm](http://www.sacrednamebible.com/kjvstrongs/index2.htm))

Szilagyi, Krisztina, “Muhammad and the Monk: The Making of the Christian Bahīrā
Legend”, Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 34, 2008.

Teppo, Saana, Women and their agency in the Neo-Assyrian Empire. Master thesis,
University of Helsinki, 2005

ترجمه فارسی تورات ماشاءالله رحمان پور، خاхам مشه زرگری، انجمن کلیمیان تهران، چاپ اول ۱۳۶۴

KJV, (1769 Blayney Edition of the 1611 King James Version of the English Bible - with Larry Pierce's Englishman's-Strong's Numbering System, ASCII version) 1988-1997 by the Online Bible Foundation and Woodside Fellowship of Ontario, Canada.

AVD, (Van Dyke Arabic Bible. Copyright (c) 1998-2005, Arabic Bible Outreach Ministry, P.O. Box 486, Dracut, MA 01826.)

LXX, Septuaginta (LXT) (Old Greek Jewish Scriptures) edited by Alfred Rahlfs, Copyright © 1935 by the Württembergische Bibelanstalt / Deutsche Bibelgesellschaft (German Bible Society), Stuttgart.

WTT, (Codex Leningradensis Hebrew Text. Includes changes as of Westminster Morph 4.14.)

NFT, PJT, TAR, Samaritan Targum, Peshitta (TAR/TAM Targumim: Aramaic Old Testament) The Targum material is derived from the Hebrew Union College CAL (Comprehensive Aramaic Lexicon) project. For information, see http://cal1.cn.huc.edu/searching/targum_info.html.